

انگار هر کسی بیشتر پول بگیرد
معروف تر است

دعبل

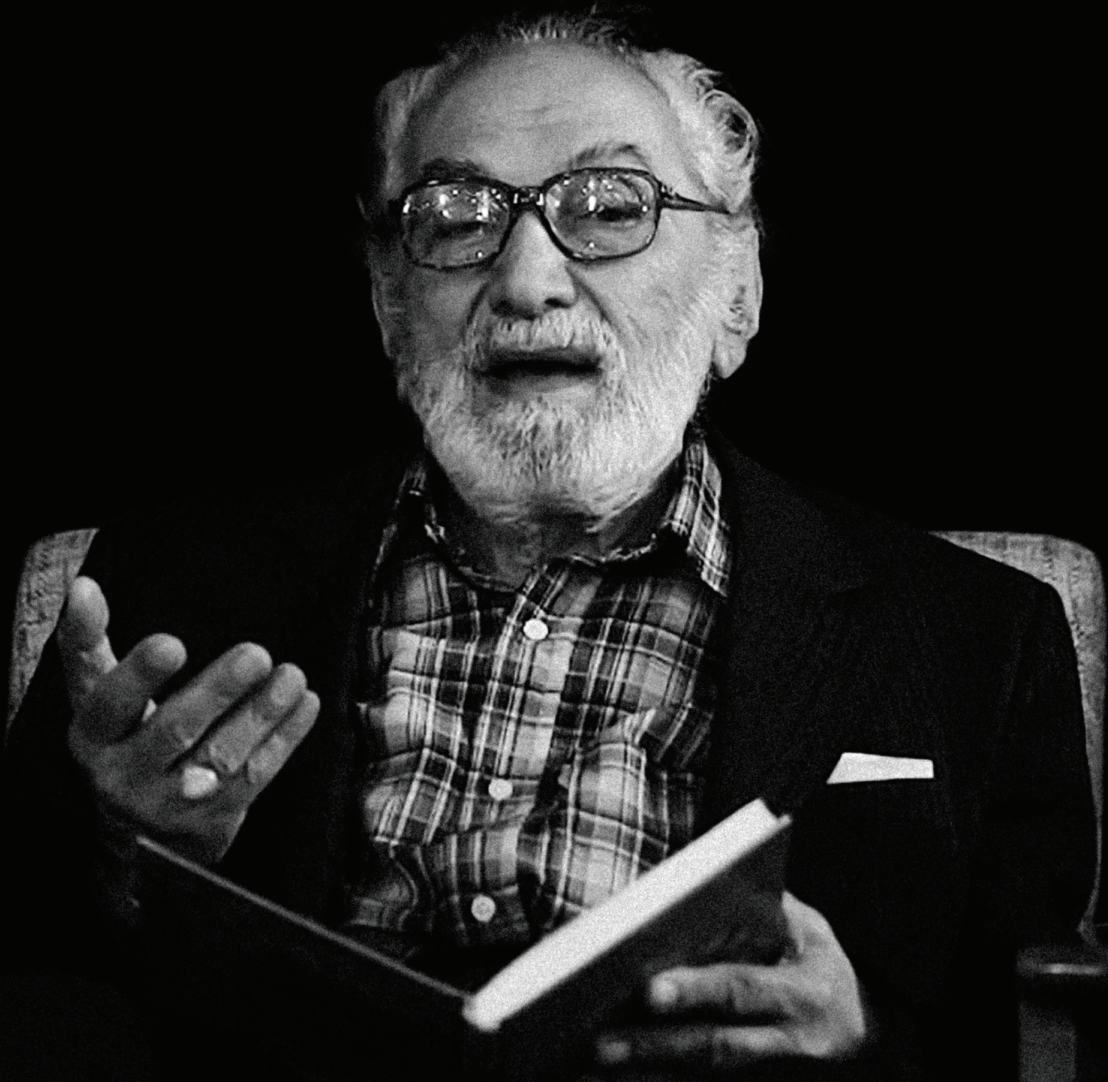


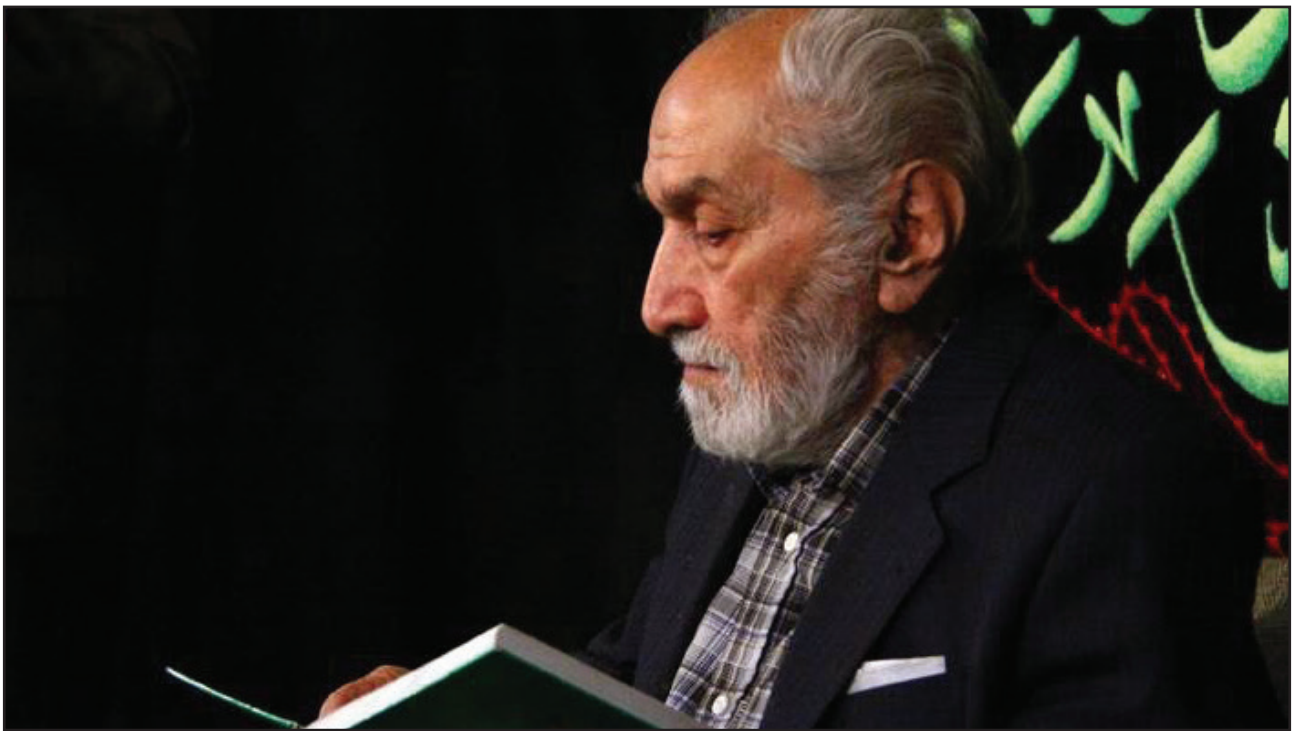
سنت ها تا وقتی که تبدیل به
خرافه نشوند خوب هستند

فصلنامه دعبل - شماره دوم، پاییز ۹۶

استاد چایچیان (حسان) به سرای باقی شتافت

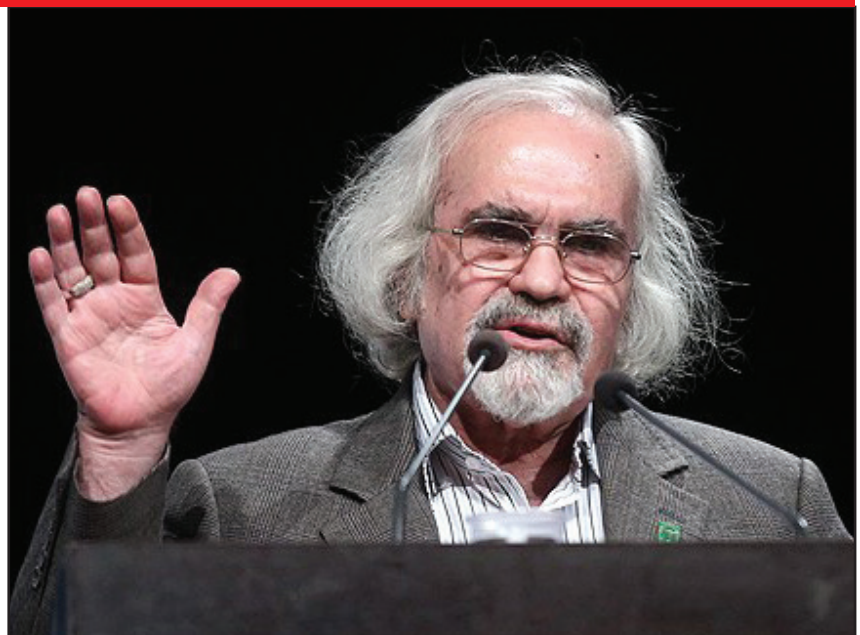
شاگرد مکتب علامه امینی





اعتلای شعر چایچیان نتیجه زانو زدن در محضر علما بود

و این که برخواسته از ژرفای دل و جان وی بود و با اخلاص باطنی همراه بود میزان تاثیرگذاری زیادی داشت و در مخاطبان ایجاد شور می کرد. این اشعار عواطف دینی مخاطبان را تهییج می کرد. وی افزود: حبیب الله چایچیان توانست مجموعه شعرهای زیادی را در ذهن علاقه‌مندان ماندگار کند. همچنین چاپ چندین کتابش و چندین بار تجدید چاپ شدنش نشانه اقبال فراگیر مردم به سرودهای شاعر با اخلاص آیینی است. این شاعر در خصوص ویژگی‌هایی مختص به حبیب الله چایچیان عنوان کرد: شاید خصوصیتی که وی را از دیگر شاعران آیینی متمایز می کند، توفیقی باشد که بخاطر حضور در محضر عالم دینی کسب کرد. وی توانست در طول چند سال از عمر خود را در محضر روحانیون ولایی به سر ببرد و از محضر آیت‌الله امینی بهره‌های معنوی و عینی ببرد. مجاهدی تصریح کرد: اگر شعر چایچیان شعر سالمی است و اگر کمتر دچار حاشیه شده و اگر در آن مواردی از گزافه، خرافه، مبالغه و سایر مولفه‌هایی که در آسیب‌شناسی شعر ولایی است در این شعرها



الگوی خوبی برای شعرای جوان آیینی‌سرا باشد. مجاهدی در خصوص ابعاد شخصیتی تاکید کرد: سروده‌های مرحوم چایچیان به خاطر روان بودن

استاد محمد علی مجاهدی در سخنانش عنوان کرد: زنده‌یاد چایچیان فردی بسیار فروتن، بلند طبع بود که به لحاظ رفتاری و کرداری می‌تواند



آیا مداحان معروف مجموعه اشعار حسان را يك بار ورق زده‌اند؟

خبر رحلت شاعر بلندپایه استاد حبیب چایچیان متخلص به «حسان» بر جان و روان مشتاقان شعر ولایی اندوهی سنگین نهاد.

سید مهدی حسینی رکن آبادی

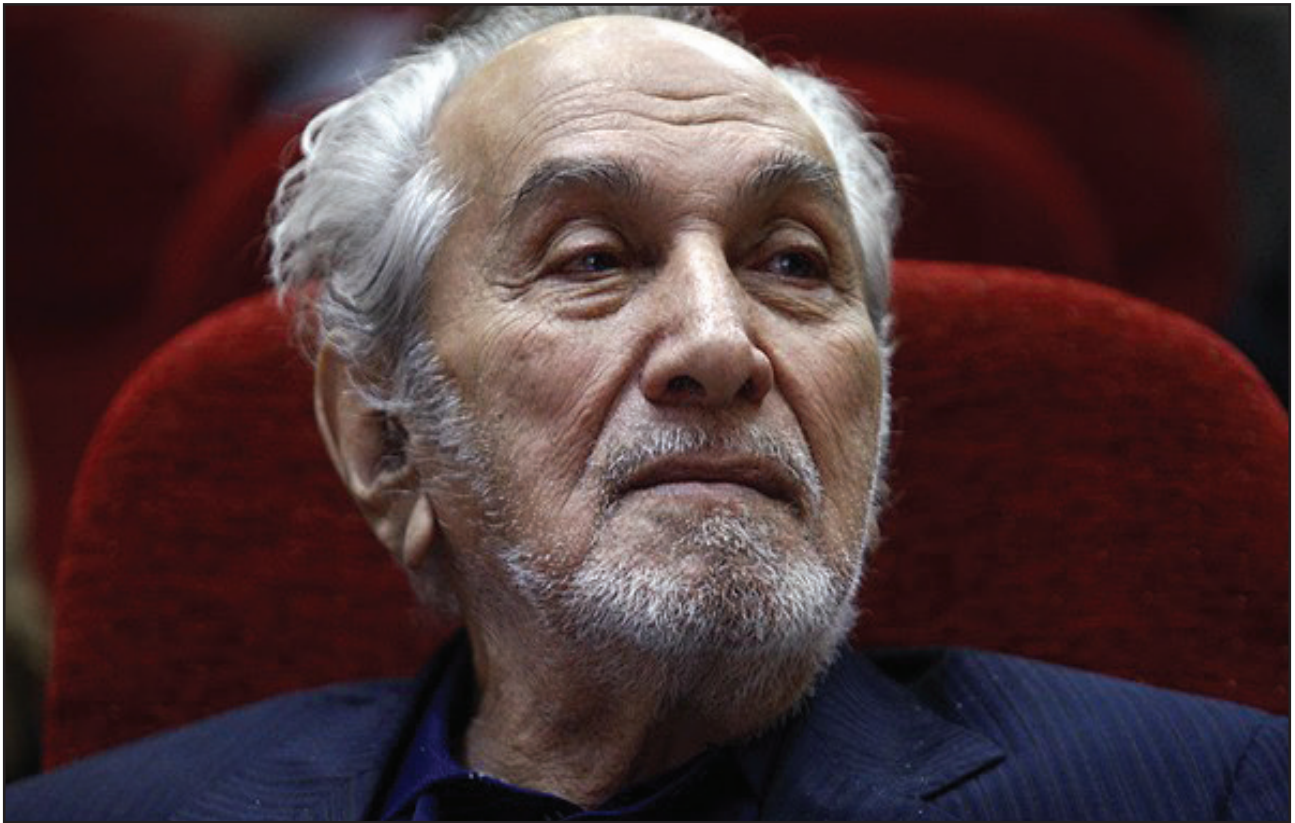
از حلقه شاعران متقدم ولایی سرا بود؛ بجاست مرور کنیم نام و یاد شاعران بزرگ دهه ۴۰ و ۵۰ را؛ از جمله مرحوم صغیر اصفهانی، خوشدل، محمد علامه، ریاضی یزدی و... که شعرشان روزگاری زیانزد هیئت‌ها بود و امروزه از آنان به عنوان شاعر ولایی یاد می‌کنیم. و نیز نفس گرم و اثرگذار اساتید شعر ولایی را مغتنم بدانیم؛

درباره ایشان کم و بیش مطالبی شنیده و خوانده‌اید که بیشتر درباره یکی از اشعار رضوی‌شان است؛ اما به نظرم مطالب گفتنی درباره این شاعر ولایی سرا بسیار است و برخی بزرگان در حق ایشان کم گذاشته‌اند...

به سهم خویش و به میزان بضاعت، مطالبی درباره ایشان تقدیم می‌دارم:

۱. «استاد حسان» در شمار یکی از آخرین شاعران

کمرنگ شده، بخاطر زانو زدن در محضر بزرگانی مثل علامه امینی (ره) است چراکه چایچیان آنچه را که آموخت، در زندگی ادبی خود بکار بست. وی اظهار کرد: این شاعر آیینی سروده‌های دلنشین فراوانی داشت که بخاطر روانی و سلیس بودن، راحت به مخاطبان منتقل می‌شد و در میان همه توده‌های مردمی از قشر دانشگاهی و روحانیت تا مردم کوچه و بازار جای داشت. ارض ادبی که به محضر علی ابن موسی الرضا و سالار شهیدان کرد نشانگر اقبالی است که بزرگان به شاعر آیینی با اخلاص دارند. وی در بخش دیگری از صحبت‌هایش تاکید کرد: زندگی چایچیان برای شعرای جوان می‌تواند عبرت‌های خوبی داشته باشد بنابراین بهتر است که اگر شاعران می‌خواهند از بعد معنوی در حوزه فعالیت خود رفع عطش کنند، آب را از سرچشمه بردارند و به گفته‌ها، شنیده‌ها و صحبت‌های افراد بسنده نکنند تا آنچه که می‌سرایند کمتر دچار آسیب و لطمه شود. مجاهدی یادآور شد: دشمنان شیعه با تمام وجود به میدان آمده‌اند تا کیان فرهنگ شیعه و اعتقادات مسلمانان را دچار آسیب و لغزش کنند و در چنین مکانی اتس که باید سربازان فداکار اهل بیت و شعرای متعهد رسالتشان را به درستی ایفا کنند. در چنین مقطع حساس تاریخی، شعرای دینی هم به لحاظ عرف و هم از نظر اخلاق موظف هستند تا ایفای نقش کنند و با بی‌دردی از کنار آلام و دردهای مسلمانان نگذرند. اگر در فلسطین، در یمن، در سوریه، در عراق، در بحرین و یا در میانمار اتفاقی می‌افتد و مسلمانان دچار مشکلات عدیده می‌شوند، این هنرمندان دینی و شاعران آیینی و مذهبی هستند که باید به پا خیزد و وارد میدان شوند و بی‌حرمتی‌ها را بانگ زند. وی ضمن اظهار امیدواری از اینکه چایچیان توشه‌های معنوی خود را با خود برده باشد، بیان کرد: اگرچه باید در زمان حیات و زندگی حبیب‌الله چایچیان بزرگداشتی برای وی برپا می‌شد و متولیان فرهنگ زودتر از این، چنین اقداماتی انجام می‌دادند اما با زنده نگه‌داشتن نام او می‌توانیم مسیر وی را برای همیشه هموار کنیم و این امکان را فراهم آوریم که شاعران جوان در مسیری که رضای خدا و اولیای خدادر آن است قدم بردارند. لازم به یادآوری است، شعرهای «امشب شهادت نامه عشاق امضا می‌شود» که در خصوص شب عاشورا و واقعه کربلا سروده شده و «آدم ای شاه پناهم بده» که در مدح امام رضا است از جمله اشعار به یادماندنی و جاودان حبیب‌الله چایچیان به شمار می‌روند. ■



۳. مرحوم استاد حسان حق بزرگی بر گردن همه شاعران ولایی سرا و نیز مداحان عزیز دارد. فراموش نکنیم که کتاب «ای اشکها بریزید» مثل «نخل میثم»- که امروزه کارگشای عموم مداحان است- روزگاری انیس و کتاب همراه مداحان بود. هنوز هم جاذبه اشعار مرحوم حسان در مداحی‌های دوران دفاع مقدس، تازگی و طراوت خاص خود را در اذهان حفظ کرده است.

امروزه اگر استاد مجاهدی به جهت تبیین مراتب شعر آیینی «پدر شعر آیینی» لقب گرفته است، بجاست به جهت قدمت و کسوت مرحوم استاد حبیب چایچیان(حسان) در شعر ولایی و نیز اثرگذاری که بر شعر ولایی داشته است او را «پدر شعر ولایی و هیئت» بنامیم.

۴. بزرگترین تکریم و بزرگداشت مرحوم استاد حسان و دیگر شاعران ولایی سرا، ارائه صحیح آثار ایشان به عموم است؛

به راستی اگر شعر «آمدم ای شاه پناهم بده» خوانده و رسانه‌ای نمی‌شد، چقدر عموم مردم ایشان را می‌شناختند؟

و اگر مردم، امثال مرحوم حسان را فقط به همین اندازه محدود می‌شناسند از کم‌کاری شاعران و به‌ویژه مداحان است.

به راستی کدام‌یک از مداحان معروف، مجموعه اشعار مرحوم حسان را یک بار ورق زده‌اند؟

پس، برای تکریم شاعران و معرفی عظمت هنر ایشان از این پس بیندیشیدیم و تدبیری اتخاذ کنیم. ■



جلوه هر پنج تن آل عبا دارد حسین

من زاده علی مرتضایم

من شاهباز ملک لافتایم

بر لب آبم و از داغ لب می‌میرم
هر دم از غصه جانسوز تو آتش گیرم

خیمه‌ها می‌سوزد و شمع شب تارم شده
در شب بیماری‌ام آتش پرستارم شده

روی تو شام تیره و مویت سپیده است
نور امید زان رخ زیبا دمیده است

بزرگانی چون استاد سازگار و استاد مؤید را، که بسیاری از آثارشان پشتوانه هیئت‌هاست.

۲. مرحوم استاد حسان، از ۵۰ سال پیش تاکنون با شعر خود نمونه‌های قابل توجه و اثرگذاری از شعر مناسب اجرا در هیئت را ارائه کرده است؛ (شعری که که امروز تسامحاً یا به غلط، «شعر هیئت» نام گرفته است)

به عبارت دیگر، شعر «تراز ولایی» یا «شعر مناسب اجرا در هیئت» را باید در برخی آثار ایشان جست و دیگر آثار را با شعر ایشان سنجید.

واقعیت این است که هنوز هم پس از گذشت پنجاه سال، برخی آثار مرحوم حسان در هیئت‌ها قابل اجراست و زبان پویای برخی از اشعار او راهگشای شاعران جوان.

آنچه در این میان مهم و ضروری است، توجه مداحان و شاعران جوان به اشعار جریان‌ساز، هنرمندانه و حتی خلاقانه مرحوم حسان است که بیشتر در کتاب‌های «ای اشکها بریزید» و «خلوتگاه راز» آمده است.

اشاره به مطلع برخی اشعار برای اثبات این ادعا کافی است:

نظر به بندگان اگر ز مرحمت خدا کند
قسم به ذات کبریا ز یمن مرتضا کند

هاله‌ای بر چهره از نور خدا دارد حسین



گفت‌وگو با دکتر ابراهیم حاجیانی، پژوهشگر و مدرس دانشگاه

در حوزه سیاست گذاری‌های فرهنگی بلا تکلیف هستیم

دکتر ابراهیم حاجیانی، مدیر گروه پژوهش‌های مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، مدرس دانشگاه است. با او درباره وضعیت عزاداری‌ها و هیئت‌ها به گفت‌وگو نشستیم. دکتر حاجیانی خودش اهل هیئت است و عضو هیات امنای دو مسجد نیز هست. تحلیل‌های جالب و محققانه او را بخوانید؛

✚ ارزیابی شما از تغییر و تحول الگوهای عزاداری و اعمال مذهبی در ماه محرم طی دهه‌های اخیر چیست؟ عمدتاً چنین تلقی شده که شاهد گسترش ظاهر گرایی و افول محتوا، به موازات افزایش کمی اعمال و مناسک عاشورایی بوده‌ایم.

بخش عمده فرهنگ ما در مناسک آیینی خلاصه می‌شود که از این میان، عزاداری‌ها سهم بزرگی را به خود اختصاص داده‌اند، لذا نمی‌توان به این بخش از

مظاهر دین داری در جامعه ایران بی‌اعتنا بود، ضمن اینکه حتی نمی‌توان نسبت به حوزه دین هم غفلت کرد، در حقیقت هر فرد علاقمند به حوزه علوم انسانی و علوم اجتماعی در ایران که به این جریان بی‌اعتنا باشد، حرف و نظرش واقع بینانه نخواهد بود. نکته مهم دیگر اینکه این اصل به هیچ عنوان جنبه ایدئولوژیک هم ندارد، ما چه دین دار باشیم، چه سکولار، نمی‌توانیم منکر اهمیت دین و مظاهر مهم و عمده دینداری در جامعه ایران باشیم. با این وجود بنده هم با نگاه به جنبه‌های توسعه یا عدم توسعه می‌گوییم که جامعه ایران از راه دین می‌گذرد، البته شاید در همه جوامع اینطور باشد، منتها آن جوامعی که فرآیند مدرنیته و سکولاریزم را طی کرده‌اند این فرآیندها و قالب‌ها را برای خود تعریف و معین نموده‌اند، اما در جوامعی از این دست در غرب آسیا، در خاورمیانه و در جمع کشورهای اسلامی، نمی‌توان منکر اهمیت دین شد.

از یاد نبریم که بخش مهمی از مشارکت مردمی در عزاداری‌ها و مراسم‌های مرتبط، اعتقادی، باطنی و همدلانه است؛ حقیقتی که برگرفته از تربیت دینی ماست و نمی‌توان منکر آن شد و این همان عمق عاشورا، محرم و مفهوم کربلاست. حداقل نسل ما از کودکی پای منبر بزرگ می‌شوند و نسل جدید هم اینطور هستند. می‌خواهم پاسخ سوال شما را در یک زمینه بزرگتر بدهم و آن بحث دینداری است، باید دید شرایط کنونی دینداری در ایران چگونه است، همانطور که می‌دانید ما دینداری را به چند بعد تقسیم می‌کنیم، هر بعد آن هم یک وضعیت دارد، از بعد احساسی، جامعه ایران بسیار دیندار است و این حس در آن بسیار قوی است و مظاهر آن را می‌توان در عزاداری‌ها یافت، اگرچه می‌گوییم مفهوم عزاداری، منبر، محرم و روضه است اما عاشورا جنبه احساسی شیعه نیز هست، هرچند در عمق آن مفاهیم عدالت و آزادی

نیز به چشم می خورد، لذا همانطور که اشاره کردم بعد حسی دینداری در جامعه ایران بسیار مهم است، اما اگر از بعد رفتاری به حوزه دینداری بنگریم خواهیم دید که گرایش مان در این حوزه متوسط رو به پایین است، تبلورش را هم می توان در نماز و روزه و عبادت های فردی مشاهده کرد، دینداری از منظر اجتماعی نیز در موقعیت برتری نیست، نگاهی به برگزاری و مشارکت در نماز جماعت و سایر اجتماعات مذهبی غیر از عزاداری ها به خوبی نشانگر این حقیقت است، از دیگر ابعاد دینداری که باز در آن با ضعف روبرو هستیم، بعد معرفتی و شناختی باورهای دینی است، و اما بعد دیگر که به لحاظ روشنفکری نیز خیلی برابمان مهم است، بعد پیامدی دینداری یا همان اخلاق دینی است؛ تعبیری که حضرت رسول (ص) در خصوص تکمیل دین بیان فرمودند که متأسفانه در آن نیز ضعیف هستیم، بنابراین نمی توانیم بگوییم که آنهایی که از سطح دینداری ضعیف تری برخوردارند رفتار اخلاقی بهتری هم دارند، ظاهراً میان این دو ارتباطی وجود ندارد، هرچند در تئوری اینطور نیست، چون بخش اعظم تئوری های دینی اخلاقی هستند.

بنده به کمک دانشجویانم، سخنرانی های هشتاد منبر، در مجالس ختم در مساجد یا در مراسم تاسوعا و عاشورا و یا در ماه رمضان را تحلیل محتوا کردم، هشتاد درصد این منابر، پیام های اخلاقی بود و احکام پنج درصد آن را تشکیل می داد، با این همه در بعد پیامدی یا همان کنشگر ضعف داریم. در صورتی که شما مفهوم عزاداری را در چارچوب دینداری قرار دهید متوجه می شوید که در اکثر شاخص های این عنصر با مشکلات جدی و عمده مواجهیم، با آنچه گذشت حال باید دید ما چه انتظاری از خرده فرهنگ عزاداری در زمینه دینداری داریم؟ آیا انتظار داریم عزاداری به نحوی تبلور و تظاهر ایجاد کرده و جو ایجاد شود؟ یا بر عکس، انتظار داریم این مراسم به فرصتی برای تعمیق معارف دینی بدل گردد؟

ارزیابی شما از وضعیت فعلی فرهنگ دینی به ویژه در عناصری چون هیئت، منبر و مداح چیست؟

بنده خود عضو هیئت امنای دو مسجد هستم، همیشه به پیش نمازها می گویم که در این ایام پیش رو، به آنهایی که هیچ وقت به جز ایام محرم به مسجد نمی آیند، تمام آن حرف هایی که در طول سال نمی توانید بزنید را در این فرصت بزنید و انتظار داریم که این تظاهر دینداری یا تظاهر جشنواره ای به فرصتی برای تعمیق معارف دینی تبدیل شود. با شرایطی که تشریح شد اگر انتظارمان این باشد خوب به موقعیتی نائل نخواهیم شد چون همانطور که شما نیز بر آن تأکید کردید و من هم با شما موافق هستم، بخشی از مراسم عزاداری ما حالت کارناوالی و جشنواره ای پیدا کرده و آن جنبه لازم باطنی و معنوی در آن وجود ندارد.

در واقع مسئله ما در عزاداری ها این است که دوست داریم در این ایام به عنوان یک فرد دیندار یا نظام دیندار یا حکومت دینی، موجبات تذهیب نفس و دینداری را فراهم آورده و اصول و احکام را فراگیریم، اما این اتفاق مهم به دلایلی رخ نمی دهد، اول آنکه چون نظام تبلیغ ما در این ایام طبق نظم روتین و معمول خود کار می کند، در واقع انگیزه ای ندارد و ظاهراً این جمعیت را به عنوان مخاطب خوب نمی شناسد.

بنده در ایام محرم به هیئت الزهراهای دانشگاه صنعتی شریف می روم، با وجود آنکه روحانیونی که در این محافل حاضر می شوند خود فارغ التحصیل دانشگاه صنعتی شریف اند و در قم نیز درس طلبگی و حوزه خوانده اند و باز حتی با وجود آنکه عنصر روشنفکری و روشن بینی در بین این قشر شرکت کننده در مراسم قوی است و دغدغه دارند، اما باز بخشی از این هدف محقق نمی شود، بیابید به این وجه از منظر سیاسی نیز نگاه کنیم، مثلاً در همین چهار پنج سال گذشته، سخنرانی های ایراد شده در عزاداری ها، عمدتاً سبک های سیاسی را دنبال می کنند، که نمونه بارز آن، مسئله برجام است، خود من با حضور در این محافل قدری اوقاتم تلخ شد و حس کردم آن جذابیتی که باید در این دست مراسم ها باشد نیست و در واقع کلیت



مراسم هایمان هدفدار نیست، متأسفانه رسانه ملی هم اصلاً به این مسائل نمی پردازد و در یک جمع بندی کلی می توان گفت که تنها وظیفه پر کردن وقت مردم را به عهده دارد و چندان موضوعات مهم فکری را دنبال نمی کند، تکلیف روحانیت هم مشخص است، انگیزه ندارد و قدری مسائل را سیاسی می بیند، مداحان هم بیشتر تجاری شده اند، آن رگه هایی که مثلاً در هیئت خیاطان بازار تهران و جاهای دیگر می بینید خیلی کم رنگ شده است، متأسفانه باید با قطعیت گفت که اکثر منبری های مان ذهنیت تجاری و تبلیغاتی و

ایجاد وجهه و چهره پیدا کرده اند و از آن چهره ای که خالصاً و مخلصاً و عمیقاً درصدد ترویج ارزش های دینی و معرفت دینی باشند فاصله زیادی گرفته اند، آنهایی هم که اندک دغدغه ای داشته باشند سیاسی می شوند، اما نگاه دقیق تر به جریان فعلی منبر، تعارضی را نشان می دهد، آیا وقتی برجام مسئله اول کشور است و مقام معظم رهبری مرتباً در مورد آن صحبت می کنند، پیش نماز و خطیب ما می تواند به آن بی اعتنا باشد؟ این چالشی است که هنوز حلش نکرده ایم، از طرفی حکومت ما دینی است و باید مواضع آن در این دست مقاطع گفته شود، از طرف دیگر وقتی منبر را سیاسی کنیم در راستای ترویج ارزش ها گام بر نمی داریم، چطور می توان این دو جریان مخالف را با یکدیگر هم سو و هماهنگ کرد؟ علما و روحانیت دغدغه این همسویی را دارند اما متأسفانه چندان جور در نمی آید، چرا؟ چون یک خط قرمز خطرناک وجود دارد و آن این است که به محض اینکه وارد سیاست شوید مخاطب دچار مشکل می شود.

فراموش نکنید که مخاطب ما که عمدتاً نسل جوان هستند که عزاداری هایشان قدری جنبه جشنواره ای و کارناوالی دارد و از آن طریق است که خودشان را عرضه و بیان می کنند، البته این خیلی هم اشکال ندارد، می گویند یا گریه کنید یا خودتان را به گریه حسین بزنید، باز همین هم برابمان مهم است، جامعه شناسی جوانان امروز می گوید که این نسل به فرهنگ لذت، مصرف و فراغت تمایل بسیاری دارد، بنابراین از هر روزه ای برای حصول این مقاصد استفاده می کند. حال که همه چیز مدرن و نوین می شود، لاجرم عزاداری ها هم شکل مدرن پیدا می کند، نمی توانیم بگوییم که امروزه همه چیز مدرن شده اما عزاداری ها به همان سبک سنتی خود است، بدیهی است که عزاداری ها هم مدرن می شود و مراسم آن هم اشکال جدیدی به خود می گیرد، منتها مشکل مدرن شدن عزاداری های امروز آن است که در شکل جدید، معرفت و اخلاق دینی مفقود است که آن هم به باور من سه دلیل دارد، یکی خالی کردن دین از اخلاق است، دیگری سیاسی کردن دین و استفاده ابزاری از آن، و سوم عدم توجه به تغییرات فرهنگی و اجتماعی.

باید به این مهم توجه داشته باشیم که نظام تبلیغی، روحانیت و صدا و سیما می تواند در جریان برگزاری مراسم عزاداری امام حسین، اصلاً به این حقیقت توجه نمی کنند که این نسلی که به مراسم آمده، ذهنیت متفاوتی دارد، فکر می کنند همه اینها نمازخوان تمام عیار اند، گول جمعیت را می خورند، متوجه نیستند که اینها ذائقه ها و علایق متفاوتی دارند، نکته دیگر مرتبط با این معضل، فورمالیسم حاکم بر مکتب شیعه است؛ مشکلی که متأسفانه در میان علما نیز به چشم می خورد، ما در فقه شیعه اهمیت زیادی برای ظواهر امور قائل هستیم، همین بحثی که اخیراً بازتاب های گوناگونی داشته است را در نظر بیاورید، مفهوم امنیت اخلاقی امروز در



جامعه چیست؟ می خواهند این را بگویند که شما در خانه خود می توانید هر کاری که دوست داشته باشید انجام دهید اما در عرصه عمومی نه، با فورمالیسم دینی، برداشت شکلی از مذهب ترویج می یابد، در حالی که خوب می دانیم عمق و مفهوم شیعه مملو از ارزش ها و قداست های والاست.

سیاست گذاری های فرهنگی نهادهای دولتی و حکومتی تا چه اندازه در خط سیر و تحول اشکال عزاداری ها در ایران موثر بوده است؟

آنچه در خصوص سیاست گذاری های فرهنگی نهادهای دولتی و حکومتی قابل ذکر است، مسئله سابقه داری است، طبعاً نمی توان گفت که حوزه رسمی نسبت به فرهنگ بی اعتناست، اما مهم به کارگیری مداخلات پخته و دقیق در این حوزه است، امروزه دولت از کانال سازمان تبلیغات اسلامی و رسانه ملی در حوزه فرهنگ دخالت دارد، فرمایشات مقام معظم رهبری نیز به عنوان تبلور تمام جریانات و ورود مستقیم به موارد گوناگون، حد اعلای قضیه است، از جمله حکم ایشان در خصوص ممنوعیت قمه زنی، یا توصیه های دلسوزانه ایشان به مداخلان. به باور بنده دولت نمی تواند موضعی خنثی در حوزه فرهنگ در پیش گیرد، این مصداق حتی در مورد دولت لیبرالیسم فرانسه نیز قابل تعمیم است، پس وظیفه دولت در این خصوص، تنظیم

فرهنگ و مداخله در آن است، منتها این مداخلات، از طریق نهادهای مدنی عبور می کند، از بزرگ ترین آسیب های فعلی ما در شرایط کنونی، در پیش گرفتن سیاست مداخلات رسمی و صریح است، به روشنی پیداست که به کارگیری روش مداخلات صریح کاملاً بی تاثیر است و اگر هم موثر باشد تاثیر مخرب بر جای می گذارد، به عنوان نمونه، یکی از جریان های موثر در فرآیند عزاداری ها در ایران، هیئت رزمندگان اسلام است که خود جریانی سازمان یافته می باشد، اتفاقاً تبلور فعالیت های این هیئت را می توان در مداخلات آن در حوزه عزاداری ها دید، این مداخلات به هیچ عنوان بد نیست، اتفاقاً ورود سالم ترین نهادها به این حوزه مایه امیدواری ماست، منتها به باور من نفس این مداخله که ورود علنی نهادهای رسمی به این حوزه است نمی تواند خیلی منشا اثر باشد.

نکته دیگر نظرگاه فارغ از حوزه سیاست گذاری های ما در عزاداری ها، به سیاست کلی فرهنگی ماست، در حقیقت نهادهای فرهنگی و سیاست گذار باید تمامی حوزه های فراغت و فرهنگ را به رسمیت بشناسند، اما همه اینها دچار تداخل شده اند، دولت به ویژه سازمان تبلیغات اسلامی، همه حوزه های فرهنگ را به حوزه دین و دین را هم به حوزه عزاداری ها تقلیل می دهد، این باعث می شود جوان حوزه های گوناگون را تشخیص ندهد که این نوعی تداخل است، حرف اصلی من این است که حوزه مداخله دین نباید در همه جریانات وارد شود، اما اگر ما این را نوعی چالش ندانیم،

اعتقادمان به دین حداکثری نیز زیر سوال می رود، از طرف دیگر این مداخله جا را برای حوزه های دیگر نیز تنگ می کند، یعنی جوان ما نباید فراغت های لذت جویانه خود را در عزاداری های دینی بیاورد، اما جوان خواه ناخواه هیجانانگیز و لذات خود را در این عرصه تخلیه می کند، چون مشروع است، مورد تایید خانواده است، پیش نماز تایید می کند و همه آن را می پذیرند، لذا سیاست گذاری های ما یا بی تاثیر بوده یا اگر موثر بوده با هزاران محدودیت و مشکل مواجه بوده است، نمونه اش قمه زنی است که درست است تا حدودی مانع اش شده ایم اما با سختی ها و فشارهای زیادی همراه بوده است، اما این را در نظر بگیرید که شاید بتوانیم این کنترل را یک بار انجام دهیم، اما همه ساله که نمی توانیم این کار را کنیم، این در حالیست که همه ما خوب می دانیم که فرمایشات مقام معظم رهبری، عاقلانه، عارفانه و بر مبنای تفکر دینی است، اما پس چرا این مداخلات به نتیجه نمی رسد؟ فکر می کنم باید از روش توجیه و اقناع استفاده کنیم، تصور می کنید با کسی که هشتاد سال است قمه می زند چه می توان کرد؟ باید صبر کنیم نسل بگذرد و اصلاح شود؟ تا آن موقع که آبروی شیعه رفته.

ما در حال حاضر در حوزه سیاست گذاری های فرهنگی گرفتار و بلا تکلیف هستیم، در هر حوزه ای که وارد می شویم به پیامدهای بدتری می رسیم، اگر هم ورود نکنیم باز با پیامدهای دیگری مواجهیم، اما به یاد داشته باشیم که یکی از راه های موجود در حل معضلاتی از

این دست در دنیای امروز، راهکارهای مشارکتی است، در حقیقت سیاست گذاری می بایست مشارکتی و تعاملی باشد و نهادهای مدنی سیاست ها را پیشنهاد دهند، اما وقتی این پیشنهادات از بالا باشد، در دسرهای عمده ای پدید می آید، پس باید میزان دخالت رسمی را در فرهنگ به حداقل برسانیم، اگر دغدغه ای مثل قمه زنی در کشور وجود دارد، تنها مسئله را مطرح کنید و بگذارید نهادهای مدنی کار خودشان را بکنند، که البته لازمه این کنش، پیدایی فضایی است که نهادهای مدنی در آن انگیزه کار، فعالیت و تعامل داشته باشند، وجود نهادهای مدنی غیر فعال، تحت فشار، بی علاقه و بی انگیزه کمکی به ما نمی کند، اتفاقا ورودشان به این عرصه جنبه سیاسی هم پیدا می کند. پس ما در وهله نخست می بایست نهادهای مدنی را به رسمیت بشناسیم؛ اصلی که در سیاست گذاری های فرهنگی مان فراموش کرده ایم، مثلا این تدبیری که ما برای معضل ماهواره، عزاداری ها، یا قمه زنی اتخاذ می کنیم را به نهادهای مدنی بسپاریم، نظام تنها طرح مسئله و مشکل کند، البته ما در این حوزه هم مشکل داریم چون طرح مسئله به عهده خبرگان، علما و غیر دولتی هاست که ممکن است در این حوزه ورود نکنند، از آن طرف هم حوزه مسئله سازی نمی کند، دانشگاه هم که درگیر امورات خود است، حال ما با نگاه مثبت به طرح مسئله می پردازیم اما یک مقدار هم به صبر نیاز داریم، همه می دانیم که فرهنگ نیاز به کار تدریجی دارد اما موقع اجرا، این تدریج یادمان می رود و می خواهیم در اسرع وقت همه چیز را متحول کنیم.

✚ به باور شما الگویی ایده آل از فرم و محتوای آیین های سوگواری وجود دارد و قابل دسترسی است؟

با وجود این انتقادات، الگویی هم از فرم و محتوای آیین های عزاداری وجود ندارد، اگر هم بوده الگوهای ایدئولوژیک چپ مارکسیستی است که آن هم شکست خورد، بنابراین می توان گفت که دولت هیچ گاه ناظر و هدایتگر خوبی نیست، به ویژه در حوزه فرهنگ، غربی ها هم بر همین اساس، مانع از دخالت دولت در حوزه فرهنگ می شوند، من همیشه می گویم مگر توان اداره و مدیریت ما از مارکسیست ها بیشتر است؟ مارکسیست ها در حوزه فرهنگ بسیار جدی بودند، وقتی چیزی را می گفتند باید آن را دنبال می کردند، مثل ما فرمال بودند، برای ایدئولوژی خود، نمایشنامه نویس تربیت می کردند، رمان و تئاتر و فیلم سینمایی می نوشتند، و این بر خلاف ماست که ایدئولوژی مان اومانستی بود و الهیات در آن جایی نداشت، ولی با ورود دولت در حوزه فرهنگ، از ارزش ها فاصله می گیریم و به نظام بوروکراتیک بر می خوریم، پس به معنای واقعی کلمه نمی توان دولتی را مثال زد که ناظر و هدایت کننده فرهنگ در یک کشور و جامعه است.

✚ به نظر می رسد که نهادهای سیاستگذار حکومتی درصدد پالایش محتوای روضه ها و نوحه های ماه محرم بوده اند، اما این فرآیند چندین مورد استقبال اقدار مذهبی واقع نشده و با نوعی بی تفاوتی نسبت به این سیاست گذاری ها مواجه شده است.

فراموش نکنیم که مردم فرهنگ از بالا به پایین را نمی پذیرند، مردم آگاه شده اند و دانشگاه رفته اند، خودشان می توانند خوب و بد را تشخیص دهند، بدی بوروکراسی، تبدیل عنصر فرهنگی به قانون و آیین نامه است که نتیجه اش مبتذل از آب در می آید در حالی که فرهنگ یک عنصر معنایی است، تاکید مقام معظم رهبری بر رعایت پیوست فرهنگی از همین روست، ایشان ده سال پیش با هوشیاری فرمودند که در هر طرحی که می خواهد در کشور اجرا شود پیوست فرهنگی رعایت گردد، ما این نظریه را در شورای عالی انقلاب فرهنگی می آوریم، دکانی برایش درست می کنیم، بعد دوست عزیزمان آقای بنیانیان که فردی بسیار دغدغه مند است پای کار می آید و ناچار می شود چند آیین نامه در مسائل فرهنگی تعیین و تصویب کند،



سپس آن مهندس عمرانی که می خواهد پروژه سد سازی را اجرا کند نگاهی به آیین نامه می اندازد و برای رفع تکلیف چند فرم را هم پر می کند و به این می گویم پیوست فرهنگی، این توجیه، فاقد ارزش است چون به فرمایش مقام معظم رهبری ایمان نیاورده ایم، فرهنگ هم همینطور است، وقتی می گویم ماهواره بد است، باید بدانیم ذاتا است، برای خانواده و فرزندان مان بد است، ایمان که آوردیم خودمان یا از آن استفاده نمی کنیم یا اگر استفاده کردیم، کنترلش می کنیم. پس

وقتی فرهنگ وارد سیستم اداری شده و تبدیل به قانون و مقررات شود و نیروی انتظامی یا پیش نماز جماعت یا بسیج محلی بخواهند آن را اجرا شود مردم نمی پذیرند.

✚ تصور می کنید مواجهه جریان نو اندیش حوزوی و روشنفکری دینی با مسئله عزاداری ها تا چه میزان در اصلاح امور آن نقش داشته است؟

نمی توان منکر نقش و اهمیت جریان روشنفکری دینی در جامعه شد، با این وجود من در مورد این جریان، ذکر چند نکته را لازم می دانم، به باور بنده جریان نو اندیشی ذاتا انتقادی و غیر مناسک گراست و طبیعی است که کمتر به پر شدن مساجد و خیابان و انبوه جمعیت توجه کند، چون سنتی فکر نمی کند و عمده دغدغه اش محتواست. این جریان حداقل مناسکی را که می پذیرد مناسک مدرن و امروزی است که در آن عمق و محتوای دینداری مردم و اخلاق در دین اهمیت فراوانی دارد و دغدغه های سیاسی در آن جایی ندارد، پس عدم موفقیت این جریان با ملاکی که ما در ذهن داریم چندان سازگار نیست، چون این قشر، موفقیت را در تممیم دادن و انبوه کردن جمعیت نمی بیند. با این حال، یکی از عمده مشکلات این جریان، عدم هماهنگی با جریان رسمی و بدنه دولت است، این را می توان یکی از علل عدم موفقیت شان دانست، جریان نوگرایی باید بتواند حوزه را با خود همراه کند، در این مقطع، تعامل میان نوگرایی دینی و سنت مذهبی اهمیت بسیاری دارد، باید بتوانند مراجع و فضلا را با خود همراه کنند، عدم اتصال این دو نیز مخاطراتی را در پی دارد، وقتی جریان نوگرایی مستقیم با مردم صحبت کند، نمونه تعامل دکتر سروش با مردم پدید می آید و به سرعت موجب خالی شدن دل مردم می گردد چون بحث ها بیشتر عقلی و کلامی می شود. روحانیت سنتی نیز لازم است این نوگرایی را به رسمیت بشناسد و آن را سکولار و ضد دین نداند، آن جریان هم بداند که همه راه ها به قم ختم می شود، اما متأسفانه در شرایط کنونی، جریان نوگرا برای ایجاد تعامل و گفتگو، نه ابزار آن در اختیار دارد، و نه فضا و رسانه آن را.

✚ علل موفقیت یا عدم موفقیت جریان های نو اندیش حوزوی و روشنفکری دینی در تغییر وضعیت عزاداری ها در ایران را چگونه ارزیابی می کنید؟

در حقیقت نخست با ارائه رسانه به جریان نوگراست که می توان موفقیت یا عدم موفقیت شان را ارزیابی کرد، اما به نظر من، این جریان با داشتن رسانه می تواند نفوذ خیلی خوبی داشته باشد، یکی از استراتژی های ما برای اصلاح جریان عزاداری ها هم لاجرم همین رویکرد است، اگرچه خصوصا در چند سال اخیر حساسیت سیاسی خاصی روی این جریان وجود دارد



رسیده اند تنها با عزاداری های سنتی هماهنگ است، خود من از سر ناچاری به مجالس عزاداری دانشگاه صنعتی شریف می روم، اگر در روستای خودمان بودم حتما آنجا می رفتم. اما مسئله دیگری هم که نباید فراموش کرد آن است که حجم و فشار تبلیغات دینی در زمان عزاداری ها بسیار زیاد است، رسانه ملی در ایام محرم و دیگر عزاداری ها می خواهد فقط پاسخ چند نفر را بدهد، اصلا برایش مهم نیست که مخاطب این برنامه و رویه را می پسندد یا نه، فقط می خواهد برنامه هایش را پر کند، آن هم به شکل صوری، با نجف یا حرم مطهر رضوی تماس می گیرد و می خواهد اشک مردم را درآورد، این بازی کردن با احساسات مردم است، نیازی به این همه فشار و هجمه تبلیغاتی نیست، به نظر من صدا و سیما می تواند برنامه های رایج و روتین خودش را دنبال کند، مدیریت رسانه باید تلاش کند اینقدر فضا را شلوغ نکند. مسئله حائز اهمیت دیگر، بحث کنترل مداحان است که مقام معظم رهبری هم بر آن تاکید دارند، باید تلاش شود قدری حجم و دامنه اهمیت فضای مداحی به نفع فضلا، روحانیت، و کسانی که حرفی برای گفتن دارند کاهش پیدا کند، پیش شرط آن هم است است که روحانیت هم به جریانات جدید فکری متصل شود و حرف یکدیگر را بفهمند، در غیر این صورت مداحان گوی سبقت را از آنان خواهند ربود، چون مداح در مقایسه با روحانی، قوی تر عمل می کند، پس باید خطبا و وعاظ را تقویت کرد، چگونه؟ اینگونه که محتوا را از طریق تعامل با جریانات نوگرا اخذ کرده و از زبان و ادبیات به روز استفاده کند. ■

تجویزی وجود دارد که بتوان با به کار بستن آن، هم به لحاظ فرم و هم به لحاظ محتوا، مجالس عزاداری را در مسیری بهتر هدایت کرد و روند کنونی را اصلاح نمود؟

دو نوع جریان عزاداری وجود دارد، جریانی که به جمعیت و نمایش و تظاهر نگاه می کند، و جریانی که به محتوا و کیفیت نظر دارد، ما باید در وهله نخست برای هدایت این مجالس، این دو گانه را از میان برداریم، بعد باید به سمت عمق و راهبرد تعمیق پیش رویم، در این میان، نیازی به شلوغ کردن نیست، هدف تعمیق اخلاق و معارف دینی است، راهبرد دیگر غیر سیاسی کردن است، امروزه به روشنی می بینیم که عزاداری ها در مساجد و حسینیه ها سیاسی شده اند چون منبر و مداح سیاسی اند، باید به کسانی میدان داد که جریان ساز و غیر سیاسی اند، لذا خطبا و سخنرانانی که گرایش های سیاسی آشکار ندارند از اهمیت بسیاری برخوردارند، نکته دیگر احیای عزاداری های سنتی است، البته صدا و سیما در این خصوص انصافا تلاشش را می کند، عزاداری های بوشهر، آباء، سوهانک و ... را نمایش می دهد، مقام معظم رهبری هم بر این مهم تاکید دارند، از پیر غلامان این مجالس نیز باید تقدیر شود، اینکه در صدا و سیما از ایشان تجلیل می شود پسندیده است اما شایسته است یک بار هم محضر مقام معظم رهبری بروند و آنجا هم تقدیر شوند، بالاخره مرجع رسمی هم لازم است. احیای عزاداری های سنتی از جنبه دیگری نیز قابل تامل است، طبع خیلی از آثاری که به میان سالی

اما می توانند حرف اساسی بزنند چون ادبیات بلدند، زبان نسل جدید را می دانند، با زبان مدرنیته ارتباط برقرار می کنند و ... تنها تشکیکی که در این حوزه وجود دارد از منظر بنیه های سیاسی این جریان است که در قالب جنگ نرم تعریف شود، وگرنه این جریان می تواند به خوبی نجات بخش باشد، چاره ای هم جز این نیست، ما همواره بر وجود نهادهای مدنی تاکید داریم، خب نهادهای مدنی همین ها هستند، باید واقعیت این جریان را بپذیریم چون وجود دارد و حرف حساب می زند و اینکه جریان سنتی واقعا پاستگو نبوده. فراموش نکنیم که مخاطب هم به حرف جریان نوگرا گوش می دهد، در حال حاضر چهار الی پنج میلیون نفر دانشجو در کشور مشغول تحصیل اند که بخش عمده ای از آنها هوادار این جریان و به دنبال حرف جدید و تعبیر نو هستند، می پرسیم چرا شریعتی یا سروش بالنسبه موفق بودند، چرا علامه محمد تقی جعفری یا آقای قرائتی در مباحث خود توفیق داشته اند، چون از یک زبان جدید استفاده می کنند، متاسفانه در روحانیت سنتی ما کسی که ادبیات و زبان نسل جدید را بداند وجود ندارد، چرا از آقای الهی قمشه ای که در هر هفت روز هفته در تلویزیون هست و برنامه دارد در ایام محرم استفاده مناسب و کارآمد نمی کنیم؟ کافی است آقای دکتر مهدی ناصری که متخصص مولاناست را به منبر بیاوریم، میلیون ها نفر جذب او می شوند، منتها به دلایل مختلف به او تریبون نمی دهیم.

به باور شما، راهکاری عملیاتی و

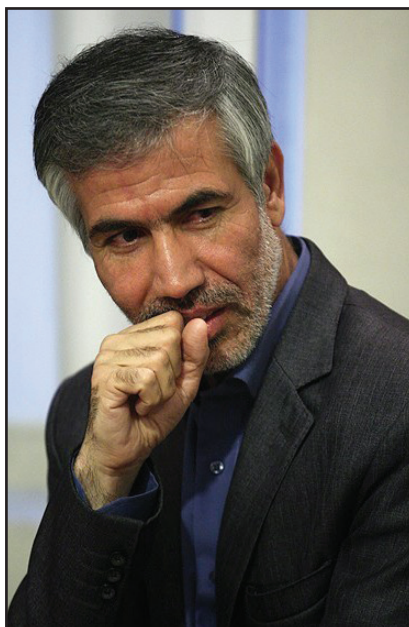


شعرهای مذهبی و شعرهای مربوط به ائمه (علیهم السلام) را، به اصطلاحی که حالا باب شده، تعبیر می‌کنند به «شعر آیینی». انصافاً شعرهای خوبی هم گفته می‌شود؛ لیکن اهداف و آرمان‌های انقلاب منحصر در اینها نیست. انقلاب یک مجموعه‌ای از ستاره‌های درخشان آرمانی را بالای سر ما قرار داده و ما را به حرکت و پرواز و جهش به سمت این نقاط نورانی دعوت کرده. ما هم امتحان کردیم، دیدیم می‌توانیم پرواز کنیم؛ دیدیم این پرواز ممکن است... از این آرمان‌ها هنوز بالای سر ماست؛ ما باید حرکت کنیم؛ به سمت عدالت باید برویم، به سمت اخلاق باید برویم، به سمت استقلال به معنای حقیقی کلمه - شامل استقلال فرهنگی که از همه عمیق‌تر و دشوارتر است - باید برویم، به سمت بازیابی حقیقی هویت اسلامی - ایرانی خودمان باید برویم... در اینجا شاعر چه نقشی دارد؟ مرد هنری و مرد فرهنگی - مرد شامل زن‌ها هم می‌شود - یعنی انسان هنری و انسان فرهنگی، در این صحنه چه وظیفه‌ای دارد؟ به نظر من وظیفه خیلی سنگین است، خیلی بزرگ است. مهم‌ترین وظیفه هم تبلیغ و تبیین است؛ الذین یبلغون رسالات الله و یخشونه و لا یخشون احدا الا الله.

بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع شعرا - ۱۲ شهریور ۸۸.

ارجحیت «موضوع» بر «موضوع»

اطلاعات و دانش اندک آنها ریشه دارد. شاعرانی هم که عموماً در شعرهای شان دین ستیزی موج می‌زند گرفتار این بی‌دانشی هستند و نمی‌توانند بین اصل دین و دینی که بر اساس برداشت غلط عرضه می‌شود، تفکیک قائل شوند. موازین الهی و عقلی بسیار پیشرفته است، شاعر باید آنچه را از دین می‌آموزد بر اساس موازین الهی که در قرآن بر آنها تاکید شده و موازین عقلی که یکی از آنهاست بسنجد، نه این که دین را بر اساس قضاوت کسانی که شناخت دینی درستی ندارند بیاموزد، چرا که این شناخت نادرست هم به شعر شاعر و هم نسبت به باورهای عمومی خدشه وارد می‌کند. (حمید سبزواری، مصاحبه با خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸ دی ماه ۱۳۹۳)



توان اشعار آیینی نامید؟» گفته بود: «باید همواره آگاه باشیم که هر نوع شعری که در باره دین گفته می‌شود شعر آیینی نیست. برخی شاعران دین شناس نیستند و آگاهی آنها بیشتر ناظر بر آگاهی طبقات جاهل و مبلغان ساده اندیشی است که برداشت غلطی از دین دارند؛ بنابراین این نوع شعرها نه تنها ارزش ادبی ندارد، بلکه به اصل دین نیز ضربه می‌زند. حتی در برخی مواقع به وضوح می‌توان در شعر برخی از شاعران جنبه‌های دین ستیزی را لمس و مشاهده کرد. بین متون اصلی دین و دینی که طبقات جاهل و مبلغان منحرف ارائه می‌کنند تفاوت وجود دارد اما بعضی از شاعران به این نکته توجهی ندارند و این عدم توجه در

در سال‌های اخیر، تمام دغدغه من شعر آیینی و دینی - بخصوص شعر عاشورایی - بوده است و بسیار و فراوان به تعریف درست آن اندیشیده‌ام. «شعر آیینی» تعریفی سهل و ممتنع دارد. سهل از آن جهت که می‌توان - با تساهل و تسامح - بر هر شعری که موضوع دینی داشته باشد، عنوان شعر آیینی نهاد. و ممتنع از آن روی که بسیاری از شعرها علی‌رغم این که با موضوع دینی سروده شده‌اند، به خاطر آن که در سیرت و باطن با آموزه‌های وحیانی و قرآنی در تقابل‌اند، شعر آیینی نیستند. به همین انگیزه و با تأمل در تمام تعاریف ارائه شده، در این یادداشت به دنبال ارائه تعریفی جامع‌تر و کاربردی‌تر برای شعر دینی و آیینی هستم.

در باور بسیاری هر شعری که موضوع دینی داشته و در مدح و منقبت و مرثی ائمه اطهار (علیهم السلام) سروده شده باشد، شعر آیینی ست. این بدترین و نارساترین تعریفی ست که از شعر دینی و آیینی می‌توان ارائه داد. با چنین تعریف نارسایی شاعرانی همچون حافظ به اعتبار این که پوسته، برونه و موضوع اشعارشان دینی نیست، بیرون از دایره شعر آیینی قرار می‌گیرند، و شورویختانه شاعرانی که شعرشان هیچ نسبتی با شعر آیینی اصیل و فاخر ندارد، صرفاً به اعتبار این که موضوع اشعارشان دینی ست، در صف شاعران آیینی! حال آن که اطلاق عنوان «شعر آیینی» بر بسیاری از شعرهایی که موضوع دینی دارند، به خاطر آن که از موضع و مضمون ارجمند و شریفی برخوردار نیستند، جفا به شعر و شاعران آیینی ست.

به یاد دارم استاد حمید سبزواری نیز در مصاحبه با یکی از خبرگزاری‌ها در پاسخ به این سوال که: «آیا تمام اشعاری که با محوریت مسائل دینی سروده شده را می

«حافظه، آیینی‌ترین شاعر روزگار ما»

آری، شعر آیینی الزاماً نباید موضوع دینی داشته و در ستایش بزرگان دینی و مناسبت‌های مذهبی سروده شده باشد، بلکه پیش‌تر و بیش‌تر از موضوع دینی، باید «موضوع» دینی داشته باشد. «موضوع» توقف در منزل صورت و ظاهر دین است - یعنی مدح و منقبت صرف - و «موضوع» پرداختن به درونه، سیرت و حقیقت دین، یعنی بیان معارف و حقایق دینی و توحیدی. جان مایه شعر آیینی اصیل و فاخر «موضوع مندی» آن است، نه «موضوع بندی» آن. یعنی ایستادن شاعر در جبهه «حق» و حق‌مداری و برائت از ظلم و باطل و زشتی و پلشتی. از این منظر حضرت لسان‌الغیب حافظ شیرازی آیینی‌ترین شاعر تاریخ ادبیات ماست، چرا که در همه سروده‌های خود موضع مسلمانی و ایمانی دارد. ابیات زیر را - که مُشتی است از خروار - بدون هیچ گونه

تردید می توان به عنوان نمونه های بی بدیل و درخشان شعر آیینی ادبیات پارسی معرفی کرد: غلام همت آنم که زیر چرخ کبود ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است



گر چه گردآلود فقرم، شرم باد از همتم گر به آب چشمه خورشید دامن تر کنم



مباش در پی آزار و هر چه خواهی کن که در شریعت ما غیر از این گناهی نیست



در طریقت هر چه پیش سالک آید خیر اوست در صراط مستقیم ای دل کسی گمراه نیست



هر گه که دل به عشق دهی خوش دمی بود در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست



مرو به خانه ارباب بی مروت دهر که گنج عاقبت در سرای خویشتن است



ما آبروی فقر و قناعت نمی بریم با پادشه بگوی که روزی مقدر است



فاش می گویم و از گفته خود دلشادم بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم



حافظا می خور و رندی کن و خوش باش ولی دام تزویر مکن چون دگران قرآن را



آتش زهد و ریا خرمن دین خواهد سوخت حافظ این خرقه پشمینه بینداز و برو



عیب درویش و توانگر به کم و بیش بد است کار بد مصلحت آن است که مطلق نکنیم

دانش و بینش دینی، پیش شرط «موضع مندی»

گفتیم شعر آیینی فاخر و اصیل شعری است که «موضع دینی» داشته باشد و این موضع منبعث از معارف الهی و حقایق توحیدی و نبوی باشد. برخورداری از مواضع منطبق بر آموزه های وحیانی و قرآنی نیازمند داشتن «دانش و بینش» دینی یا به تعبیری راسر «بصیرت دینی» ست. در غیر این صورت حرکت در مسیر حق کاری ست بس دشوار و غیر ممکن، چنان که امام صادق

می فرماید: «العامل علی غیر بصیرة کالسائر علی غیر الطریق، و لا یزیده سرعه السیر من الطریق الا بعدا»، کسی که بدون بینش عمل کند، همچون کسی است که در بیراهه رود، چنین کسی هر چه تندتر رود، از راه

دورتر می افتد. (الأمالی للصدوق: ۷/۵۰۵-۷۰۵).

برای شاعر عاشورایی شب چراغی پر فروغ تر از این فراز بصیرت بخش و معرفت آفرین زیارت اربعین نیست که «و بَدَلْ مُهَجَّتَهُ فِیکَ لَیْسْتَ تَقْدِ عِبَادِکَ مِنْ الْجَهَّالِهِ وَ حَبْرَهُ الضَّلَالِهِ... حسین (ع) خون قلبش را به آستان الهی هدیه داد تا بندگان را از ظلمات جهل و نادانی و حیرت گمراهی رهایی بخشند.» یقیناً اگر شاعر عاشورایی با آیات قرآن و بخصوص این فراز از زیارت اربعین زندگی کرده و جان و جهانش با معرفت قرآنی و حسینی عجین شده باشد، هرگز در اشعار خود راضی به بیان مطالب غیر مستند و آمیخته به خرافه و دادن نسبت الوهیت به حضرت نمی شود. مطالب غیر سودمند و وهن آلودی که هیچ گونه نسبت و قرابتی با فلسفه قیام ابعابده (ع) ندارد.

خداوند در آیه ۸۰ سوره مبارکه آل عمران می فرماید: «وَلَا یَأْمُرُکُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِکَہَ وَ النَّبِیِّینَ أَرْبَاباً أَوْ یَأْمُرُکُمْ بِالْکُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ، و هرگز خدا به شما امر نمی کند که فرشتگان و پیامبران را خدایان خود قرار دهید، چگونه ممکن است شما را به کفر بخواند پس از آن که اسلام آورده باشید؟!»

مولی الموحیدین حضرت امیرالمومنین (ع) نیز در حدیثی می فرماید: «إِنَّمَا أَنَا عَبْدٌ مِنَ عِبَادِ اللَّهِ لَا تُسَمُّونَ أَرْبَاباً... جز این نیست که من یکی از بندگان خدایم؛ ما را رب نامید...» (بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۶).

و باز در حدیثی دیگر با تاکید بر بندگی خویش می فرماید: «يَا أَبَا ذَرٍّ! أَنَا عَبْدُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ خَلِيقَتُهُ عَلَيَّ عِبَادَةٌ لَا تَجْعَلُونَا أَرْبَاباً وَ قُولُوا فِي فَضْلِنَا مَا شِئْتُمْ... ای ابانذر! بدان که من بنده خدای عز و جل و خلیفه او بر بندگانم. ما را رب قرار ندهید و در فضل ما هر چه می خواهید بگویید!» (بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۲).

با عنایت به این دقیقه، برای شاعر آیینی انس با قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و سایر ادعیه، آشنایی با روایات و احادیث و مقاتل معتبری همچون «لهوف» و «تفسیر المهموم»، مطالعه کتاب های ارزنده ای همچون «قیام حسینی» و «تحریفات عاشورا» از استاد شهید آیت الله مرتضی مطهری، و اشراف به تاریخ اسلام یک ضرورت غیر قابل انکار است.

تقسیم بندی شعرهای آیینی در یک جمع آندی کلی شعرهای آیینی در سه گروه زیر جای می گیرند:

- ۱ - شعرهایی که موضوع و موضع آیینی دارند.
- ۲ - شعرهایی که موضوع آیینی ندارند، ولی موضع آیینی دارند. (همچون غزلیات حافظ)
- ۳ - شعرهایی که موضوع آیینی دارند، ولی موضع آیینی ندارند.

با عنایت به تعریفی که ارائه شد، به روشنی پیداست که شعرهای گروه سوم - شعرهایی که موضوع آیینی دارند، ولی موضع آیینی ندارند - نه تنها بیرون از دایره شعرهای دینی و آیینی قرار می گیرند، بلکه در مواردی

به خاطر آن که موضعی مخالف با آموزه های وحیانی و قرآنی دارند - به خاطر دادن نسبت الوهیت به بزرگان دینی و آلوده شدن به خرافه و گزافه - به شعری ضد دینی و آیینی تبدیل می شوند. شعری که از جان و جهان آنها بوی کفر و شرک به مشام می رسد.

جان کلام آن که شعر آیینی، شعری نیست که تنها موضوع دینی و آیینی داشته باشد، بلکه پیش تر و بیش تر از موضوع، باید «موضع دینی» داشته باشد. این نکته ظریفی ست که در تعریف شعر آیینی روزگار ما گاهی مورد غفلت قرار می گیرد.

شاعر آیینی واقعی به طور قطع در شعر خود موضع دینی را در نظر می گیرد و این موضع چیزی نخواهد بود جز عبودیت، یکتاپرستی، عزت مداری، آزادگی، حق جویی، عدالت خواهی و پرداختن به کرامت های انسانی.

به تعبیر قرآن شاعران در گمراهی اند، مگر کسانی که اهل ایمان، عمل صالح و ذکر الهی باشند: «الشعراء یتبعهم الغاؤون... الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و ذکروا الله كثيرا...». روح القدس نیز تنها بر شعر شاعرانی که دارای چنین ویژگی هایی باشند مهر تایید می زند. اما اگر شاعر آیینی - به هر علت - از دایره آموزه های دینی و قرآنی خارج شود، و در مسیری مخالف با قرآن و عترت حرکت کند، مورد طمع شیطان قرار خواهد گرفت و شعرش چیزی جز القانات و الهامات شیطانی نخواهد بود.

به عنوان مصداق، حُسن ختام این نوشتار را به غزلی عاشورایی و «موضع مند» از خوشدل تهرانی اختصاص می دهم. غزلی که آینه ارجمندی و شکوه مندی حماسه بی بدیل و جاودانه عاشورا است، و راوی پیام های اصیلی همچون: حق خواهی، ظلم ستیزی،

آزادگی، و... با هم می خوانیم:

بزرگ فلسفه نهضت حسین این است که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است حسین مظهر آزادی و آزادی ست خوشا کسی که چنینش مرام و آیین است نه ظلم کن به کسی، نی به زیر ظلم برو که این مرام حسین است و منطبق دین است همین نه گریه بر آن شاه تشنه لب کافی ست اگر چه گریه بر آلام قلب، تسکین است بین که مقصد عالی نهضت او چیست که درک آن سبب عز و جاه و تمکین است فراز نی سر وی گر رود نباشد باک که سرفرازی طاها و آل یاسین است اگر چه داغ جوان تلخ کام کردش، گفت: که مرگ در ره حفظ شرف، چه شیرین است ز خاک مردم آزاده، بوی خون آید نشان سروری و راه رهبری این است ز خون سرخ شهیدان کربلا، «خوشدل» دهان غنچه و دامان لاله، رنگین است ■



گفت و گو با حاج محمود اکبرزاده، پیرغلام اهل بیت

انگار هر کسی بیشتر پول بگیرد معروف تر است

مگر می‌شود جایی از پیرغلامان حسینی یاد شود و نام حاج محمود اکبرزاده نباشد؛ مداح خوش رو و بااخلاق مشهدی که در سال ۱۳۱۲ در محله نوغان این شهر به دنیا آمد و سالها در حرم امام رضا(ع) و به عشق صاحب این آستان خواند. حاج محمود حدود هفت دهه از عمرش را وقف مدح اهل بیت(ع) کرده. ویژه‌نامه چهارده با این پیرغلام اهل بیت(ع) درباره ماجرای مداح شدنش، خط قرمزها در مداحی و ویژگی‌های یک مداح خوب گفت و گو کرده است. او از آسیبهای تعیین نرخ مداحی برای ما گفت و معتقد است بانیان مجالس هستند که برخی مداحان را خراب کرده اند و با پرداخت پول زیاد حرمت مجالس اهل بیت(ع) را شکسته اند

استاد نداشتیم. به قول معروف خودرو بار آمدم و بعد رفتم دنبال این کار تا به اینجا رسیدم.

✚ چطور وارد هیئت ها شدید؟

آن زمان نانوهای مشهد هیئتی به نام خاتم النیین (ص) داشتند. من به آنجا می رفتم و برایشان نوحه می خواندم. بعد از اینکه درس و مدرسه ام تمام شد، حاج آقا آذری که شاعر بود و مداحی می کرد و در فلکه دروازه قوچان مغازه داشت مرا به هیئتش برد. او هیئتی

به این راه آمدم. کتاب «خزائن الاشعار» را می خواندم و در هیئت ها مداحی می کردم. اولین دفعه ای که می خواستم بخوانم مرا بغل کردند و روی چهارپایه گذاشتند. از خجالت می لرزیدم. پایه های صندلی را گرفتند تا بتوانم بخوانم. بعدها کم کم جلساتی به عنوان نوحه خوانی در مشهد راه افتاد و من در این جلسات شرکت می کردم تا بهتر یاد بگیرم.

✚ استادی هم داشتید؟

✚ برای شروع از قصه مداح شدنتان برای ما بگوئید.

مداح شدن من به سال ۱۳۲۰ برمیگردد. هشت سال بیشتر نداشتیم که پدرم از دنیا رفت. نوحه خوان هیئت ها بودم. البته آن زمان اصلا مداحی به این سبک و سیاق نبود و بین سینه زنها نوحه خوانی می کردم. پدرم مداح نبود و مادرم هم سوادی نداشت. از اطرافیانم هم کسی مداح نبود. خودجوش

به اسم مجمع الذاکرین داشت که در آنجا شعر حفظ می کردیم. چند شاعر آیینی دیگر هم در جمع ما بودند. مدت‌ها در این هیئت شاگردی کردم.

آن زمان منابع مداحی و نوحه خوانی شما چه بود؟

آن موقع ها آقای سراج نوحه های بسیار خوبی را می سرود که آنها را می خواندیم. در مشهد هم آقای دلخون شعر می سرود. حاج آقا آذر هم که رئیس مداحان مشهد در آن زمان بود، هم شعر می گفت و هم مداحی می کرد. دو دیوان از اشعار او را جمع آوری و منتشر کردم.

مگر اشعارشان را ثبت نمی کردند؟

نه، فقط می خواند. من از روی دفترش در مغازه آردفروشی رونوشت می کردم و این اشعار را داشتم.

مگر شغلشان مداحی نبود؟

نه، برای دلش مداحی می کرد. حاج آقا آذری اول راننده بود و بعد دکان آردفروشی باز کرد. مداحان و نوحه خوانان به مغازه او می آمدند. استاد اولیه من حاج آقا آذری بود.

یعنی از مداحی ارتزاق نمی کردند؟

خیر، فقط شیخی که روی منبر می خواند ممکن بود روزی یکی دو تومان به او بدهند. حاج آقا آذر اصلا پول نمی گرفت. خودش کاسب بود. زمانی را میگویم که پول گرفتن مداح اصلا معنا نداشت.

پس چرا الان این طور شده؟

متأسفانه روزبه روز هم بدتر میشود و معلوم نیست به کجای رسد. وقتی میگویند فلان مداح این قدر پول گرفته به نظر من نباید آن مداح را ملامت کرد که چرا اینقدر گرفتاری بلکه باید بانی مجلس را ملامت کرد که چرا اینقدر به مداح پول داده. بانی مجلسی را که حاضر است به مداحی ۲۰ میلیون تومان برای پنج شب بدهد باید ملامت کرد. در این شرایط از دیگران چه توقعی دارید؟

پسرها یتان هم مداحی می کنند؟

بله، پسرهاییم همگی مداحند ولی هیچکدامشان پول نمی گیرند.

یعنی شغل دیگری دارند؟

مشغول کار و کاسبی خودشان هستند.

هیچکدام آنها احتیاج به پول مداحی ندارند. همه شان دوره های مداحی را گذرانده اند.

به نظر شما مداحی که نرخ تعیین می کنند و می گوید من زیر این قیمت نمی آیم مقصر ماجرا نیست؟

بانی مجلس نباید قبول کند و این قدر به او پول ندهد. همه بدبختی ها سر چشم و هم چشمی هیئت هاست که با هم رقابت دارند که فلان مداح را دعوت کردیم و فلان قدر به او پول دادیم. آن وقت هیئت دیگری به فلان مداح میگوید من بیشتر می دهم. بیا برای ما بخوان! هیچکدام اینها برای خدا و امام حسین (ع) نیست.

از نظر شما مداح خوب چه ویژگی هایی دارد؟

مداح خوب باید برای رضای خدا و اهل بیت (ع) کار کند. باید مداحی را بلد باشد و زیاد مطالعه کند و بتواند شعر

حفظ کند. الان کسی

شعر حفظ نمی کند

بلکه کاغذ

دستشان می

گیرند و می

خوانند.

الان هم از

روی موبایل

میخوانند.

قدیم ها این

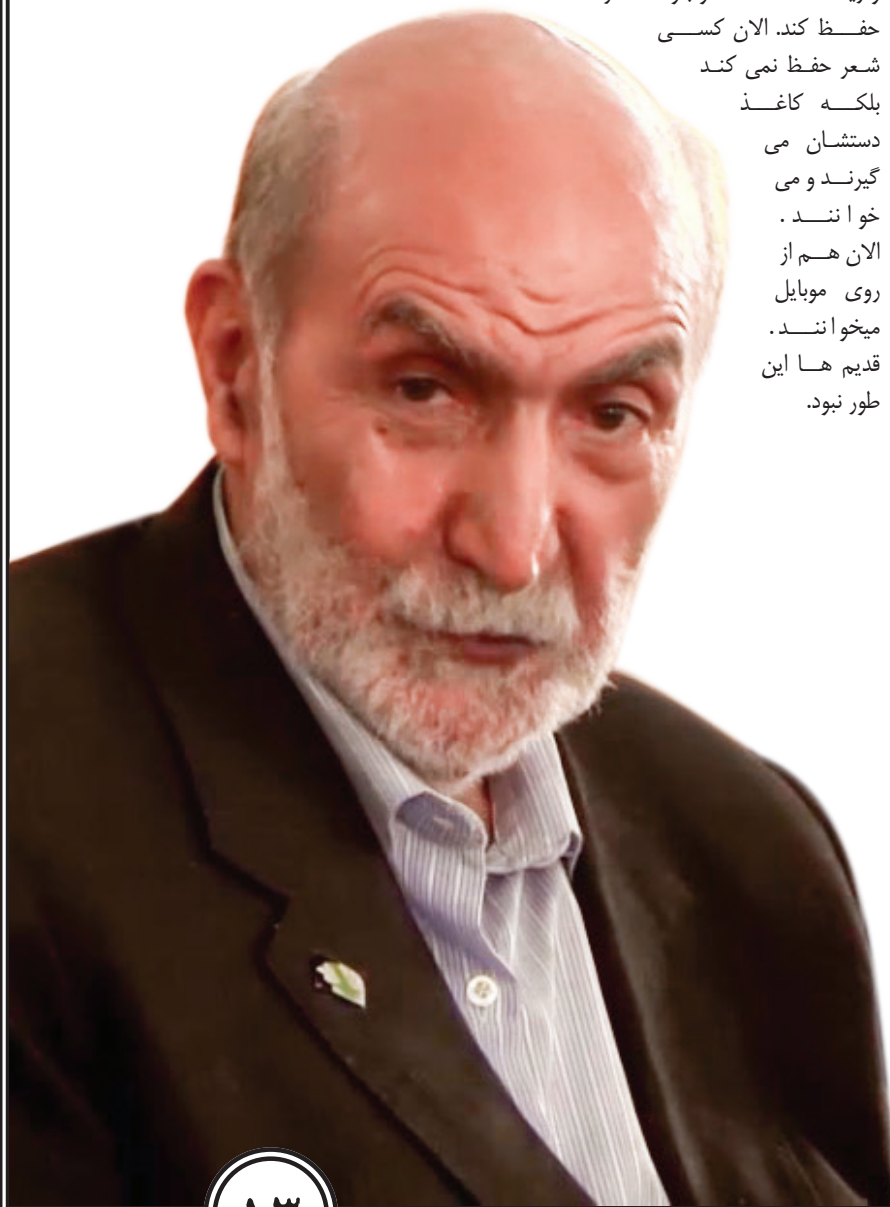
طور نبود.

کمی بیشتر از خودتان برای ما بگویید. گویا در جبهه هم نوحه خوانی داشته اید. درست است؟

به یاد دارم چند بار که با گروهی از مداحان به جبهه رفته بودیم در گردان محمود کاوه نوحه خوانی داشتیم. حتی نزدیکی های خط مقدم. یکی از آنها مرحوم حاج رضا انصاریان بود. حتی آقای احمد واعظی هم بود.

از خاطراتتان با مقام معظم رهبری هم بر ایمان بگویید.

خاطرات خیلی خوبی از مقام معظم رهبری دارم چه پیش از انقلاب که در مسجد کرامت و مسجد امام حسن (ع) سخنرانی های انقلابی داشتند و چه پس از انقلاب که رهبری نظام را برعهده گرفتند و همچنان دیدارهایی با مداحان و هیئتی





ها دارند. به یاد دارم قبل از انقلاب ایشان در مسجد کرامت، هم نماز می خواندند و هم منبر می رفتند اما وقتی آنجا لو رفت به مسجد امام حسن(ع) در خیابان دانش رفتند. جالب است که آن مسجد فرش هم نداشت و حصیر انداخته بودند اما وقتی ایشان روی منبر می رفتند آنقدر شلوغ میشد که توی مسجد جای سوزن انداختن نبود. وقتی از روی حصیرها بلند می شدیم شلوارهایمان پر از گل شده بود.

❖ مهم ترین توصیه های رهبر انقلاب به مداحان چیست؟

اگر گوش شنوایی باشد یک کتاب توصیه به مداحان دارند. خدا کند که گوش کنند. به ویژه مداحان جوان.

❖ کار مداحان جوان را چطور می بینید؟

بعضیها ایشان خلاف می خوانند! گاهی مداح خوشصدا و خوبی هستند ولی اینکه فقط به پول فکر کنند نمی شود. حساب کسانی که فقط به فکر پول هستند جداست. آقای علی انسانی با اینکه مداح بسیار معروفی است اما از این راه ارتزاق نمی کند. کسب و کارش چیز دیگری است و مغازه برنج فروشی دارد. حرف او همه جا خریدار دارد. چون مداح پولی نیست و نرخ تعیین نمی کند.

❖ شغل خودتان چیست؟

من دفتر مصالح ساختمانی دارم و پسرهایم مشاغل دیگری دارند. پسرهایم وقتی وارد این کار شدند می دانستند که نباید از این راه پول در بیاورند و ارتزاق کنند. نگاه من را می دانستند. چون کنار دست خودم بزرگ شده بودند. کسانی که به مداحی به عنوان شغل نگاه می کنند به این عرصه آسیب می زنند.

❖ سبک هایی را که بین جوان ها

شایع است می پسندید؟

نمی گویم که همه باید سبک سنگین بخوانند ولی برخی در خواندن سبک های شور افراط میکنند، بعضی مداحان هم متأسفانه از خواننده های آن ور آبی تقلید میکنند. اینها درست نیست و متأسفانه اوضاع رها شده. انگار هر کسی بیشتر پول بگیرد معروف تر است. شب های سه شنبه جلسه مداحی داریم که مداحان آنجا جمع میشوند. ۳۰ سال است که این جلسات را دارم. مداحان در این جلسات هم شعر می خوانند و هم مشکلاتشان را بیان می کنند. ■



گفت و گو با حجت الاسلام کاملان و بررسی وضعیت و آثار عزاداری‌ها

هر کسی از ظن خود عاشورا را تفسیر می‌کند

توجه مردم به جنبه عاطفی نهضت امام حسین(ع) به حدی است که گاه این نگرانی را بوجود می‌آورد که معارف عاشورا و پیام‌های عاشورا مورد غفلت قرار گیرد. با حجت الاسلام والمسلمین محمد صادق کاملان عضو هیأت علمی دانشگاه مفید قم در این خصوص به گفت و گو نشستیم. او می‌گوید: متأسفانه، برخی از علمای ما هم به خاطر اینکه عرف عوام بیشتر عاطفی و احساسی فکر می‌کنند و از نهضت امام حسین(ع) بیشتر به دنبال عواطف هستند، بنابراین یا با این روشها مقابله نمی‌کنند یا حتی با فکر عوام همراهی و همکاری می‌کنند.

ندارد بلکه فقط به همین تعبیر توجه می‌کنند. مفسر دیگر، جنبه‌های اجتماعی و شرایط جامعه اسلامی آن زمان را در نظر می‌گیرد و اینکه آن جامعه نیاز مبرم به یک حرکت اصلاحی، تصحیحی و اجتماعی بر مبنای امر به معروف و نهی از منکر دارد. بنابراین می‌گوید نهضت امام حسین(ع) جنبه سیاسی نداشته بلکه جنبه امر به معروف و نهی از منکر دارد، یعنی یک جنبه دینی محض و نه سیاسی و باطنی. «أَرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي» و بخش‌هایی از فرمایشات امام(ع) را دلیل بر تحلیل خود میدانند. عده دیگر هم جنبه سیاسی و نظام سیاسی حاکم را مورد توجه قرار می‌دهند که رهبری جامعه به دست یک انسان فاسق و غیر مومن به خدا و دین افتاده و

پیرامون قیام اباعبدالله الحسین(ع) توسط مفسران و مبلغان انجام می‌شود، هر کس با دیدگاه خود و با زاویه خاصی که به نهضت دارد این نهضت و قیام را تحلیل و تفسیر می‌کند. مثلاً عده‌ای فقط به جنبه‌های باطنی نهضت نگاه می‌کنند. در این زمینه روایات هم داریم که می‌فرماید «ان الله شاء ان يراک قتيلا» «خدا می‌خواهد تو را قتل و کشته ببیند». حال در اینجا باید پرسید این مشیت خداوند به چه معنا است، آیا مشیت بر اساس یک سلسله مصالحی است که در امت اسلامی دیده می‌شود؟ مشیت خداوند بر این است که تو را قتل ببیند. یعنی با کشته شدن تو و با خون تو جامعه و دین اصلاح و از فساد و تباهی جلوگیری می‌شود. پس تفسیر باطنی، به مسائلی که گفتم توجه

✚ ارزیابی شما از تغییر و تحولات الگوهای عزاداری در ماه محرم و عاشورا طی دهه‌های اخیر چیست؟ عمدتاً چنین تلقی شده که شاهد گسترش ظاهرگرایی و افول محتوا به موازات افزایش کمی اعمال و مناسک بودیم؟

افول سبک و سیاق عزاداری و گرایش پیدا کردن به طرف ظاهرگرایی ناشی از خصیصه‌هایی در انسان است. من در ابتدا مقدمه‌ای را مطرح می‌کنم تا مطلب روشن شود. نهضت و قیام امام حسین(ع) دارای ابعاد وسیع و گسترده‌ای از مسایل باطنی و معنوی، ظاهری، سیاسی و عاطفی است. بنابراین در تفسیرها و تحلیل‌هایی که

لذا منشاء همه خرابی‌ها، همان رهبری فاسد است و امام(ع) باید دقیقاً همان رهبری فاسد را مورد نقد قرار دهد و امام حسین(ع) هم در نهضت خود همین کار را انجام داده است. «أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يَعْمَلِيهِ وَ إِنَّ الْبَاطِلَ لَا يَتَنَاهَى عَنْهُ». بنابراین بر اساس این تفسیر، نهضت امام حسین(ع) از اول برای سرنگونی حکومت یزید و بنی امیه و به دست گرفتن حکومت توسط امام حسین(ع) است. همه اینها دیدگاه‌های عالمان دینی است یعنی کسانی که اهل تفسیر و اهل نقد هستند.

اما وقتی تفسیر همین نهضت و قیام به دست عوام الناس می‌افتد، آنها دقیقاً نهضت اباعبدالله الحسین(ع) را به جنگی که میان دو طایفه و گروه اتفاق افتاده است تفسیر می‌کنند. جنگی که گروه کوچکی در مقابل تعداد زیادی با تجهیزات فراوان قرار گرفتند که این گروه کوچک به دست آنها کشته می‌شوند. خصوصاً کودکان، نوجوانان، جوانان و سالمندان آنها به اسارت در می‌آیند و در نظر عام تمام تفسیر نهضت ابا عبدالله الحسین(ع) همین جنبه عاطفی است. در زیارت هم آمده است که تو «قتیل العبرات» یعنی کشته اشک چشمان مردم هستی. قتل العبرات یعنی اینکه امام حسین(ع) کشته شده تا مردم بگیرند و نسبت به او ندبه و زاری کنند و در نهایت به خاطر اشک چشمی که می‌آید گناهان آنها بخشیده شود. لذا شما در این مداحی‌ها و روضه خوانی‌ها می‌بینید که تمام توجه به جنبه‌های عاطفی است و تحریف‌های زیادی هم در ذیل همین قضایای عاطفی درست شده است. داستان‌هایی که در طول ۱۳۰۰ سال ساخته شده است که در نهایت نهضت امام حسین(ع) را به یک جنگ داخلی بین دو قبیله تشبیه کردند که یک عده، مظلوم قرار می‌گیرند، بچه‌هایشان یتیم و مردانشان کشته می‌شوند، و مردم در عزای آنها زجه و ناله می‌کنند.

بنابراین این چهارگروهی که گفتم چهار تفسیر متفاوت نسبت به قیام اباعبدالله دارند که هر کسی می‌تواند از بخشی از فرمایشات امام حسین(ع) به نفع خودش استفاده کند. اگر نگاه جامع به قیام اباعبدالله نباشد آن وقت به قول مولانا «هر کسی از ظن خود شد یار من» هر کسی از ظن خودش قیام امام حسین(ع) را تفسیر می‌کند و آن را به این حد تقلیل می‌دهند که مسایلی برای گروهی پیش آمده است و باید برای آن گریست و ناله کرد.

در واقع همین برداشت‌های مختلف باعث به وجود آمدن عزاداری‌های مختلف شده است؟

دقیقاً همینطور است. برداشت‌های مختلف امری طبیعی است و از روی عناد شکل نمی‌گیرد و هدف-شان هم این نیست که قیام امام حسین(ع) را کوچک کنند. توده‌های مردم از بهشت و جهنم، عرش، کرسی، لوح، قلم، از صفات الهی مثل اینکه خداوند عالم است، قادر است، حی است، مرید است، مدرک است و ... چه

می‌دانند؟ دقیقاً مردم و حتی عالمان ظاهرین معقولات را به محسوسات تشبیه می‌کنند. پس این مسایلی تنها اختصاص به امام ندارد. احمد بن حنبل «لرحمن علی العرش استوی» را اینگونه معنی کرده است که خداوند بر کرسی نشسته است. عرش یعنی همان تخت، یعنی نشستن و استوار بودن، بعد گفته سوال نکنید که کیفیت نشستن خدا بر روی تخت چگونه است چون سوال کردن خودش بدعت است! این تنها اختصاص به احمدین حنبل ندارد که امام فرقه خنابله هست. بلکه در شیعه بسیار شاهد هستیم که اینگونه تشبیه می‌کنند، یعنی دقیقاً مسایلی عالم بالا را به عالم محسوس تشبیه می‌کنند و همه چیز را محسوس درک می‌کنند. لذا معاد در نظر آنها صد در صد مثل همان عالم دنیا و محسوس است.

بنابراین در مورد نهضت اباعبدالله الحسین(ع) و آن عهده‌ی که بین خداوند و امام حسین(ع) است که در یک چنین شرایطی باید دست به چنین قیام و انقلابی بزند تا یک حرکت تصحیحی و اصلاحی در امت و دین ایجاد کند، متأسفانه مدنظر بسیاری قرار نمی‌گیرد. واقعهای به این گستردگی که دارای ابعاد سیاسی و اجتماعی است را در حد یک مسأله عاطفی تقلیل می‌دهند و تمام توجه به این است که امام حسین(ع) در روز عاشورا و در قتلگاه چطور کشته شد، سکینه با او چه صحبتی کرد، وقتی که ذوالجناح به خیمه برمی‌گردد چه آشوبی به پامی شود و زمانی که حضرت زینب کبری(س) بالای تل زینبیه به قتلگاه نگاه می‌کند چه اتفاقی می‌افتد. درحالی که حضرت زینب(ع) در اسارت وقتی عبیدالله بن زیاد در مجلس خود رو به حضرت زینب(س) سوال می‌کند «کیف رایست...» چگونه دیدی کار خدا را به برادران و فرزندان برادرت؟ جواب می‌دهد «من جز زیبایی و جز جمال در این اتفاق ندیدم». خیلی عجیب است حضرت زینب(س) این سخن را در حالی به زبان می‌آورد که برادرانش و دو فرزند خودش کشته شدند! یا تعبیر دیگری که حضرت زینب(ع) در مجلس یزید به او خطاب می‌کند «تو نمی‌دانی که این برادرم حسین در روز عاشورا چه کرد، و چه قلب‌هایی را متوجه خودش کرد و چه انقلابی را در جهان اسلام و در فکر آزاد مردان به وجود آورد! تو فکر می‌کنی این حادثه یک قضیه‌ای کوتاه و کوچک بود و در نصف روز تمام شد؟ نه، این نهضت ابعاد گسترده‌ای در طول تاریخ دارد». اما این حرف‌های حضرت زینب(س) کم گفته می‌شود اما باز هم در اینجا به ابعاد عاطفی پرداخته می‌شود که دختر امیرالمومنین(ع) را در میان نامحرمین قرار دادند! حتی بیانات امام حسین(ع) در راه و تا رسیدن به کربلا که می‌فرماید: مثل من حسین بن علی(ع) هرگز با شخص پلید، کثیف و مثل یزید بیعت نمی‌کند؛ گفته نمی‌شود. حضرت نه تنها می‌گوید من بیعت نمی‌کنم، بلکه می‌گوید اصلاً کسی که در این موقعیت امام و مقام امامت باشد هرگز با یک شخص پلیدی بیعت نمی‌کند و بیعت با او حرام است. اما این مسایلی اصلاً

مورد توجه قرار نمی‌گیرد!

بنابراین می‌بینیم مداحان و عرف عام ما معمولاً مسایلی محسوس را بهتر درک می‌کنند و مسایلی معقول، معنوی و آسمانی را تا در حد محسوسات پایین می‌آورند تا درک کنند. در این شرایط، کار تصحیح فکر و افکار مردم باید توسط علما و بزرگان اتفاق بیفتد، آنچنان که خود خدا در قرآن کریم برای اینکه مردم در صفات الهی گرفتار تشبیه معقول و محسوس نشوند و خداوند را مجسم نبینند با شدت با تفکر محسوس و مادی‌گرایی مقابله می‌کند، «لیس کمثله اشی» این حرکت تصحیحی باید توسط علما اعمال شود که متأسفانه، بسیاری از علمای ما هم به خاطر اینکه عرف عوام بیشتر عاطفی و احساسی فکر می‌کنند و از نهضت امام حسین(ع) بیشتر به دنبال عواطف هستند، بنابراین یا مقابله نمی‌کنند یا حتی با فکر عوام همراهی و همکاری می‌کنند. بنابراین عوام‌گرایی بخشی از علمای ما موجب می‌شود که یا در مقابل تفکرات عامیانه سکوت کنند یا این تفکرات را تأیید می‌کنند و برای تصحیح افکار مردم اقدام نمی‌کنند. بنابراین تعداد معدودی از بزرگان و علما که کاری به عوام الناس و تفکر عامیانه ندارند و در مقابل آنها می‌ایستند کارشان به نتیجه نرسیده و صدایشان در میان مردم طنین انداز نمی‌شود.

پس اگر از دیدی تحقیقی و پژوهش‌گرانه به سیر آیین‌های عزاداری نگاه کنیم تصور می‌کنید که عزاداری ما از آن خط اصیل فاصله گرفته است؟

بله همینطور است. عزاداری‌های ما از آن واقعیتی که خود اهل بیت(ع) نسبت به عزای اباعبدالله الحسین(ع) داشتند فاصله گرفته است. عزاداری اهل بیت(ع) مثل حضرت صادق(ع) و یا امام باقر(ع) که در صحنه بود، اصلاً شباهتی به کارهایی که امروز این کارناوال‌هایی که به نام هیئت و عزاداری راه می‌اندازند، ندارد. اگر این کارها و هیاهوها لازم بود حتماً خود اهل بیت(ع) که صاحبان عزا بودند این کار را باید انجام می‌دادند. بنابراین به نظر می‌رسد که روز به روز از عزاداری اصیل فاصله می‌گیریم، این فاصله گرفتن به خاطر این نیست که هیئتهای عزاداری تشکیل دادند، تشکیل هیئت عزاداری، تشکیل جلسات عزا برای امام حسین(ع) و منبر رفتن کار خوبی است اما شروطی دارد. به شرط اینکه این کارها با محتوا، هدف امام حسین(ع) و قیام او سازگار و یادآور پیام امام حسین(ع) باشد. متأسفانه عزاداری‌های ما یادآور پیام امام حسین(ع) نیست. آنچه که ما در عزاداری‌ها می‌بینیم ابعاد عاطفی و مشابه مسایلی است که مردم در فوت عزیزشان انجام می‌دهند.

به باور شما سیاست‌گذاری‌های فرهنگی نهادهای دولتی و حکومتی

عزاداری‌ها را تا حدی اصلاح کنند. اما عرض کردم مقاومت عرف عام خیلی این اجازه را نمی‌دهد که اصلاحات ظهور و تحقق پیدا کند. البته کم کم حرکت رو به اصلاح است مگر اینکه همین تعداد محدود هم دست از حرکت اصلاحی بردارند تا عرف عام و همان دیدگاه عاطفی همه ابعاد وجودی نهضت اباعبدالله الحسین را فرا بگیرد و فقط به بعد عاطفی و گریه تمام شود.

✦ می‌توان از بعد دیگری هم نگاه کرد که گاهی شاید همین سیاست گذاری‌ها است که در واقع باعث می‌شود به همین ظاهر گرایبی‌ها که به قول شما عرف به دنبال آن است دامن زده شود؟

گاهی هم بله همانطور است که می‌گویید. برای اینکه بخشی از حکومت هم نمی‌خواهد عرف و توده‌های مردم را از خودش دور کند. او هم برای امام حسین (ع) روضه خوانی می‌کند همان مداحانی که در جلسات دیگر اشعار صرفاً عاطفی را می‌خوانند در اینجا سعی می‌کنند محتوای اشعارشان بهتر باشد. اما بالاخره مردم می‌بینند که این آقا در جلسات مختلف متفاوت حرف می‌زند اما مداح یکی است و این دقیقاً به معنای امضاء کردن روش، منش و گفتار آنها است و همان ایده عاطفی که آنها نسبت به قیام اباعبدالله دارند و تصحیح کردن همان ایده است.

✦ در خصوص مواجهه جریان نواندیش حوزوی و همچنین روشنفکری دینی با مساله عزاداری‌ها و برخی خرافات ترویج شده در جریان این مراسم‌ها پرسش این است که این مواجهه تا چه میزان در اصلاح این امور موثر بوده؟ آیا کوشش‌های نواندیشان و روشنفکران به شکل‌گیری گونه‌های جدیدی از مناسک مذهبی شیعیان انجامیده یا صرفاً در مدار سلبی و نفی باقی مانده است؟ به طور کلی علل موفقیت یا عدم موفقیت جریان‌های نواندیشی حوزوی و روشنفکری دینی در تغییر وضعیت عزاداری در ایران را چه می‌دانید؟

وقتی جو غالب در میان متدینان بعد عاطفی نهضت اباعبدالله الحسین (ع) است تلاش تعداد معدود روشنفکر تأثیری ندارد. بنابراین در این جو غالب از دست تعداد محدودی نواندیش، اصلاح گر و اصلاح طلب در میان فضلاء و طلاب کار زیادی بر نمی‌آید، آنها تلاش می‌کنند اما این تلاش‌ها آنطور که باید و شاید به ثمر نمی‌نشیند. ■



واقعیت‌های جاری در عزاداری‌ها، هم-راستایی و پیوند دیده میشود یا فاصله و شکافی است که تلاش میشود از طریق اعمال سیاست‌های بالا به پایین پوشش داده شود؟

بله وجود دارد. در عین این که شما می‌بینید تا این حد از طرف عوام الناس مقاومت می‌شود و هیچ حرکت تصحیحی را نمی‌پذیرند، اما در عین حال همین تفکر تصحیحی در میان جامعه تحصیلکرده، فرهنگی و فرهیخته تأثیر خودش را گذاشته و در نتیجه می‌بینید بسیاری از مجالس در شهرهای بزرگ با متانت و اصولی برگزار می‌شود. حتی مداحی که آنجا می‌خواند اشعار با محتوا و بسیار آموزنده‌ای را می‌خواند. منبری که منبر می‌رود سعی می‌کند از حدود مقتل‌های صحیح دور نشود و به هر مقتلی تمسک نکند اما نمود آن در مقابل این هیاهوها کمتر است.

✦ به نظر می‌رسد که در محتوای روضه‌ها و نوحه‌هایی که در عزاداری‌های محرم رواج دارد، نهادهای سیاست‌گذار حکومتی در تلاش برای پالایش محتوا بوده‌اند، اما از جانب آقشار مذهبی هوادار این گونه روضه‌ها و مراثی، نوعی مقاومت و بی‌توجهی نسبت به این سیاست‌گذاری‌ها وجود داشته، از سوی دیگر نیز گاه عنوان شده که برخی سیاست‌گذاری‌ها خود از عوامل دامن زدن به ظاهر گرایبی و کم‌توجهی به محتوای عزاداری‌ها بوده است. به طور کلی، دیدگاه شما در این خصوص چیست؟

بله حکومت را قبول دارم که انصافاً از سطح رهبری گرفته تا پایین تلاش بر این دارند که این نوع

تا چه اندازه در خط سیر و تغییر تحول اشکال عزاداری در ایران موثر بوده است؟

نقش دولت در این مسایل بسیار کم‌رنگ است. یعنی عزاداری‌ها، جوشیده از توده‌های مردم است و اصلاً بحث دولت مطرح نیست. این مسایل، مردمی است و از میان توده‌های مردم برخاسته و رهبری آنها بیشتر توسط کسانی صورت می‌گیرد که مورد قبول مردم هستند. بسیاری از اوقات دیدیم که رهبر انقلاب، توصیه‌های دقیقی راجع به قیام اباعبدالله الحسین (ع) ارائه می‌دهند با این عنوان که باید ابعاد معنوی، روحی، اجتماعی و سیاسی نهضت دیده شود و فقط نباید به بار عاطفی قضیه پرداخت و حتی نسبت به بعضی از مسایل مثل قمه زدن، زنجیرهای همراه با تیغ که بدن را زخمی می‌کند یا روی شیشه دویدن و امثال آن توصیه‌هایی می‌کنند که متأسفانه کم کم در کشور ما هم رواج پیدا می‌کند اما کسی هم جلو این کارها را نمی‌گیرد. عده‌ای از علما که شیفته عوام هستند و با احتیاط نسبت به عوام سکوت می‌کنند، عده‌ای هم که می‌خواهند مقابله کنند متهم به این می‌شوند که اهل ولایت نیستند. شاهد این قضیه این است که یکی از مراجع راجع به زنجیرهایی که دارای تیغ بود و بدن‌ها را زخمی می‌کرد فرمود «این کار جایز نیست» اما مرجع دیگری در جواب صحبت ایشان گفت «اینها فقه نمی‌فهمند و اهل فقه نیستند». این مرجع با این جملات خواست جواب ایشان را بدهد، در حالی که این جواب نبود، ایشان باید دقیقاً به ادله‌ای که قابل قبول برای یک فقیه است استشهد کند که آیا این کار جایز است یا جایز نیست، اما عده‌ای از علما متأسفانه با همین شعارها داستان را حل می‌کنند. منظور من این است که جبهه عوام و تفکرات عوام خیلی قوی و در مقابل هر نوع اصلاح و تصحیح می‌ایستند.

✦ آیا میان این سیاست‌گذاری‌ها و



گفت‌وگو با حجت الاسلام مرتضی وافی

مداحی باید به سمت منبرهای منظوم برود

با حجت الاسلام والمسلمین مرتضی وافی، مدیر موسسه خانه خورشید و مدیر پژوهشکده امام حسین و مناسک آیینی به گفت و گو نشستیم تا وضعیت هیئت‌های عزاداری و نقش آن‌ها در جامعه را از نگاه این روحانی و فعال حوزه آیینی بررسی کنیم.

آیا تشکل‌های دینی مدیریت پذیر هستند؟

همیشه این سوال جدی ذهن من را مشغول کرده بود که چرا این همه تاکیدها، سفارش‌ها و دستورالعمل‌ها از سوی متولیان فرهنگی، عالمان دینی و رسانه‌های موثر پیرامون شیوه‌های تکریم اهل بیت و روش‌های برگزاری آیین تکریم اهل بیت عنوان می‌شود اما باز احساس می‌شود که جریانی که در این مسیر حرکت می‌کند، اعم از هیئت‌های مذهبی، تشکل‌های دینی و عناصر تاثیرگذار آن، منبری‌ها، مادحان، مدیران هیئات، خادمان هیئات و مجموعه‌هایی که در ارتباط با این تشکلات هستند دارند کار خودشان را انجام می‌دهند و راه خودشان را می‌روند، چرا؟ چرا این عوامل نمی‌توانند تاثیرگذار باشند و چرا احساس نیاز و احتیاج به جهت گرفتن

و یا خط گرفتن ندارند؟ این سوال خصوصا در ایام محرم و صفر برای من جدی تر می‌شود، به چند علت:

اول: نخست آنکه ما در مجالس دینی و هیئات خود دائما در حال زایش و تجدید روش‌ها و شیوه‌ها، ابداع واژه‌ها و مفاهیم و ارائه سبک‌ها و الحان جدید هستیم، که این یک فرصت است، گویی مجلس سیدالشهدا نیازمند این تجدید و زایش است، تعبیری که من برای هیئات دارم این است که می‌گوییم هیئت، زادگاه هنری شیعه و به طور کلی زادگاه هنری دین است، چون جریان هیئت تنها به شیعه محدود نیست، خصوصا امروزه که این اتفاق در اهل سنت هم به گونه‌ای عالی رواج دارد.

دوم: این مجموعه‌ها به عنوان یک جبهه تبلیغی، ظرفیت عظیمی دارند. دیگر، حجمی است که هیئات

از نظر کمی در کشور ما پا به پای همه موسسات و سمن‌ها دارند، بحث بعدی، فضای این هیئت‌هاست که مجموعه‌ای از مناسک آیینی در آنها شکل می‌گیرد، نه فقط صرفا توسل، بلکه توسل، عزاداری، اشک، دخیل، نذر، جماعت، قرآن و ... یعنی همه مباحثی که در این جریان، بخشی از مناسک آیینی و معارف دینی ماست، ضمن اینکه هیئت مجموعه‌ای است که کارکردهای جمعی هم دارد، چون یک تشکل است، وقتی به این فرصت رسیدگی نشود تبدیل به تهدید و منجر به یک آسیب و آفت می‌گردد، تردیدی در آن نیست، بنده همیشه گفته‌ام که شیطان هر کسی از جنس خودش است، مجموعه‌های امام حسینی هم از درون همین مجموعه‌ها ضربه می‌خورند و برایشان مانع درست می‌شود.

چرا این فرصت به تهدید، آسیب و آفت منجر می شود؟

اول: گام نخست در هر جریان فرهنگی در جامعه ما، ذهنیت بخشی به جامعه است، یعنی باید باور کنیم که اتفاق هایی که در برگزاری مراسم و مجالس دینی ما می افتد پیش از اینکه در حوزه رفتار شکل گیرد، مرتبط با نوع بینش و باورهای این مجموعه است، که هستند کسانی که این بینش ها و باورها را شکل داده اند، به عبارت واضح تر اگر مجموعه های دانش بنیان مثل حوزه و دانشگاه و کانون های مرجع، به درستی ذهن جامعه را شکل ندهند و ذهنیت بخشی نکنند، ما نمی توانیم در تنظیم نگاه جامعه و بعد در حوزه رفتار جامعه، توقع داشته باشیم که دچار چالشی جدی نشویم، پس قدم اول این است که این مجموعه ها در جای خودشان این جنس از مناسک را مقنن کرده باشند. روزی از حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی پرسیدم که آقا در جایی که یک مرجع، علم را به استدلال ها و استنادهای خودش رد می کند و آن را تشبیه به آهنی سرد می کند که از آن کاری بر نمی آید و یک مرجع می ایستد تا تیغه علم را خم کنند تا بوسد، مردم در میانه این دو نگاه چه کار باید بکنند؟ ایشان تاملی کردند و فرمودند فلانی مشکل ماییم، چرا ما جریان اشک یا جریان مجلس داری را بررسی نمی کنیم، چهارصد موضوع فقهی بلکه بیشتر در حوزه تکریم آیین اهل بیت هست که مقنن نشده و کرسی های تدریس درس خارج در این حوزه آن طور که باید و شاید شکل نگرفته است. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

بنده استنادی دارم از شهید ثالث، شهید ثالث در یکی از بخش های زندگی اش می آورد که «محمد بن سلیمان تنکابنی در قصص العلماء می نویسد: شهید ثالث از تعبیه و تشبیه در مصیبت حضرت سید الشهدا ممانعت می نمود و از غنا در مرثی و انشاد مصائب ائمه منع می نمود تا شبی از شب های قدر در خواب دید که پیغمبر خدا در مسجد شهید بالای منبر است و به شهید ثالث خطاب فرمود که آخوند از غنا در مرثی فرزندم حسین منع مکن، به هر نحو که می خواهند بخوانند و تفسیر این خواب را در کتاب مجالس المتقین نوشته اند، مجملاً شهید پس از آن خواب، غنا در انشاد مصیبت را منع نمی نمود و تعبیه و تشبیه را تجویز نمود و خود هم در مجالس تعبیه می نشست».

دوم، از مرحوم آیت الله العظمی نائینی (ره) جمله ای عرض می کنم: «در موسوعه عزاداری سنتی شیعیان آمده است که مرحوم آیت الله اشیخ غروی کاشانی که از تلامذه مرحوم آیت الله نائینی بودند مکرراً در مجلس و محضر درس خود می فرمودند که استاد ما مرحوم نائینی چند روز مانده به محرم در خاتمه درس خود به ما چنین می گفت: «من می بینم که شما

آقایان به زودی در شهرها و بلاد مصدر امور شرعیه مردم قرار خواهید گرفت، لذا تقاضای من از شما این است که هرگاه از شما درباره مسائل عزاداری امام حسین، همچون سینه زنی و زنجیرزنی و شبیه خوانی و ... سوال کردند، شما مخالفتی نکنید که در این امور حق چون و چرا ندارید». جالب این است که مرحوم آیت الله اشیخ غروی کاشانی در جای دیگر معتقد است که اگر فاسق و فاجری در شبیه حضرت قمر بنی هاشم در جایی حاضر شود به جهت تعظیم شعائر اهل بیت، منعی نیست بلکه انشاءالله مورد توجه و به عنوان یک مسئله موجه شمرده می شود. خب این نگاه را ببینید تا نگاه علما و بزرگان که حریم ها و محدوده هایی را چه به جهت فردی و چه به جهت تاثیرات اجتماعی و بروز و ظهور اجتماعی وضع و برای آن چارچوب تعیین می کنند، این جنس از تفاوت نگاه در حوزه مناسک آیینی باید به بحث بینجامد و به یک جریان فقهی مقنن منجر شود، و این همانجاست که جریان های نظریه پردازی و کرسی های آزاد اندیشی در این حوزه ها می توانند بدون اینکه افراد همدیگر را رمی و تفکیک کنند، این جریان و ذهنیت ها را جلو ببرند.

با وجود آنچه گفته شد، چرا جریان های نظریه پردازی و کرسی های آزاد اندیشی چندان موفق عمل نکرده اند؟

مجموعه های رسانه ای و متولیان آموزشی و ارگان های تبلیغی و ترویجی، چون جای پای محکمی ندارند و تکلیف خودشان را در این میان نمی دانند، نمی توانند در تنظیم نگاه جامعه و ارتقای بینش آن در این حوزه ها مطمئن عمل کنند، لذا شما نمی توانید تولید و خروجی را از این مجموعه ها مشاهده کنید که جنسی از اعتماد و اقتناع را در مخاطب خود برانگیزد، همچنین در او جنسی از اطمینان قلب را برای اینکه بخواهد در حوزه رفتار به آن بینش و نگاه تکیه کند مشاهده نمی کنید، اجازه دهید من در این ارتباط به چند نکته اشاره کنم. رسانه ملی ما برای مباحث و مسائل مربوط به اربعین و پیاده روی اربعین، نحوه ارائه و انعکاس مجالس مذهبی، روضه ها، منبرها و مجالس دینی، شیوه قالب گذاری این کار و نحوه رسانه ای کردن اینها از نظر فکری دچار خلا جدی است و دائماً دستش به سمت مجموعه های دانش بنیان دراز است که ما چه کنیم، طبیعی است حرکت های سلیقه ای، برنامه های مقطعی و به نوعی اتفاقات آزمون و خطا در جریان است که در مجموعه این ارگان های آموزشی و ترویجی و فعالان عرصه رسانه صورت می گیرد. باز این جریان متوجه نکته اول است و در حقیقت باید از اینجا شروع کرد، خب وقتی اینها نتوانند در این حوزه جای پای محکمی پیدا کنند و به یک ذهن شفاف

و به یک برنامه مقنن تکیه کنند طبیعتاً نمی توانند خوراکی را برای تغذیه فکری جامعه و ارائه روش و قالب های الگو برای جامعه اقدام کنند، در آخر ما با جامعه ای مواجه می شویم که در حوزه رفتار، در حوزه باور و اعتقاد، و در حوزه گفتار در آیین تکریم اهل بیت عصمت و طهارت دچار مشکل می شود، خیلی طبیعی است، اگر دچار مشکل و آسیب نشود باید تعجب کرد، و اگر ما می بینیم به نسبت این ساعاتی که این همه مجالس و برنامه ها شکل می گیرد این مقدار از ظرف ساعات دچار آسیب ها و آفت ها و خلاهایی است، از برکت و عنایت سید الشهداست که مجالس حفظ می شود و گرنه ما در این حوزه ها چه چا که نمی کنیم.

آیا مجموعه های دانش بنیان به خودی خود توانایی بحث در مباحث نظری و فکری را دارند؟

برای مجموعه های دانش بنیان که می خواهند در بحث مباحث نظری و ارائه مباحث فکری و چارچوب های فکری کار کنند نیازمند یک مرکز دیده بانی فکری و رصدگاه دقیق در حوزه تکریم آیین اهل بیت هستیم، کجا داریم؟ در کجای جامعه ما یک مرکز مطالعات اجتماعی و جمع آوری داده های رفتاری نسبت به این موضوع به صورت علمی شکل گرفته که ما بتوانیم از مجموعه های دانش بنیان به سراغ این مرکز برویم و از ارزیابی، نظرسنجی و تحلیل و بررسی داده هایی که آنجا بوده به صورت علمی بهره مند شویم تا خلاها و نیازها، آن محتوای اصیل و شبهات، آسیب ها، آفت ها و موانع را در این حوزه شناسایی و راجع به آن تولید علم کنیم، این مشکلی است که ما هر سال با آن مواجهیم، هر کسی از منظر و دیدگاه خودش شعری را تولید می کند، البته ما نباید یک نعمت را فراموش کنیم، تنها کسی که در جایگاه یک دیده بان فرهنگی، نه تنها جامعه را، بلکه حوزه بین الملل را هم رصد می کند رهبر معظم انقلاب است، ایشان سال هاست که در این حوزه سخن گفته اند، بعید می دانم کسی مثل ایشان در حوزه عاشورا، امام حسین و مناسک آیینی آنقدر مصداقی و جزئی ورود پیدا کرده باشند، ایشان در سال های اخیر در حوزه رفتار مربوط به هیئات، در حدود پانزده مسئله به صورت جدی ورود پیدا کرده اند، البته اینها خود نیازمند بحث و ارائه و فرهنگ سازی در جامعه است، اما ما روی همین هم کار نکرده ایم که ایشان مثلاً در ارتباط با مداحی مورد نظر و مداحی الگو چه نگاهی دارند، ایشان در مورد یک منبر چه می گویند، ایشان در مورد نوع یک هیئت و مجلس توسل به اهل بیت چرا این دیدگاه را دارند، و راجع به این موضوع هیچ کجا را نداریم که این مباحث در آن مطرح و بحث شود. هر کسی از ظن خود شد یار من.



✦ نقش رسانه را در جریان سازی حوزه مناسب های آیینی چگونه ارزیابی می کنید؟

اتفاقی که ما هر سال با آن مواجهیم این است که عده ای به بهانه خدمت فرهنگی و کار فرهنگی یا با احساس مسئولیت مخلصانه ای که دارند، در عرصه تکثیر و انتقال مجالس مذهبی و برنامه هیئت ها و توزیع آنها در قالب سی دی، فیلم، کلیپ، تیزر، صوت و مدیا با اخلاص بی محابا در کشور اقدام می کنند، در حالی که به باور من، این جریان رسانه ای ضمن اینکه محاسنی دارد، معایبی هم دارد که بنده تعدادی از این موارد را تنها فهرست وار می شمارم:

اول در رسانه، جنسی از غلو است، آن چیزهایی که تکثیر می شود و در مقابل چشم فرد جلوه می کند نمی گذارد که فرد بخشی از حقایق و واقعیت هایی که اتفاق افتاده را ببیند، پس جنسی از تحریف در ذات رسانه و تکثیر بدون برنامه رسانه هست، لذا شما می بینید در گوشه ای از یک شهر، مداحی می خواند، با تجربه یا بی تجربه، یک مرتبه آسیب و آفت این مداحی که یا اشتباه گفته یا اشتباه کرده که گفته، پخش می شود و یک باره می بینیم کلیپ های بسیار از آن ساخته شده، آن وقت می گوئیم مجالس از دست رفت.

دومین مسئله قابل توجه در جریان تولید و تکثیر، آن است که بسیاری از این مجالس، مجالس حضور است، یعنی برای حاضران و مخاطبانی است که در مجلس هستند، چون آن مجلس فضا و موقعیتی دارد که شایسته ارائه بعضی از حرف ها یا آن موقعیت اقتضای بعضی از مطالب و مسائل است، حال آیا

مخاطبی که بیرون از این مجلس است شایستگی، ظرفیت یا آمادگی پذیرش و شنیدن این مطلب، رفتار و جریان را دارد؟ طبیعی است که نه، و این اتفاق در روند تکثیر تولیدات رسانه ای ما در این حوزه رخ می دهد، زدگی ایجاد می کند و نگاه ها را منفی می نماید.

نکته دیگر در مورد تکثیرها آنکه به دلیل اینکه نظارت جدی در ارائه این مجالس و محافل در ایجاد اعتقاد وجود ندارد، اگر کسی هم خواست وارد شود خواهیم گفت که امام حسین چویت خواهد زد، خب هر کسی دارد کارش را انجام می دهد، این جنس از جریان تکثیر بدون نظارت این مجالس، آسیب ها و آفت هایی را در جامعه منتشر می کند و رسانه و توزیع رسانه با نیت های مخلص خود به این کار دامن می زند.

چهارم، از بین بردن فرهنگ های بومی و قومی و آیین سنتی در حوزه آیین تکریم اهل بیت است، برای اینکه شما جنسی از رابطه مرکز - پیرامون را شکل می دهید و باعث می شوید نوع فرهنگ پایتخت یا کلان شهرها که از یک قدرت رسانه ای ویژه برخوردار است و به رسانه های عمومی دسترسی بیشتری دارد، بر فرهنگ، آیین ها و سنت ها غلبه و آنها را سرکوب کند. چه کسی بناست جواب از دست رفتن این میراث عظیم را در این شکل از اقدام بی محابای رسانه ای بدهد؟

✦ تا چه میزان به نظارت کیفی بر آثار آیینی تولید شده در حوزه عاشورا اعتقاد دارید؟

جو هیئت ها و مجالس مذهبی، برای ارائه بعضی از مطالب، انسان ها را در فضای عاطفی و احساسی و تکلیف قرار می دهد، این به معنی القای بعضی فکرها و ارائه برخی رفتارهاست، حال اگر یک تصنیف یا ترانه یا فایل موسیقی بخواهد بیرون بیاید، مگر این اتفاق می افتد؟ فارغ از اینکه عیبی در آن باشد یا نباشد، باید برود در یک مرکز، آنجا مجوز بگیرد، بعد منتشر شود، اما ما در اجرای مراسم و مجالس و ارائه کالاهای رسانه ای کدام مراکز قانونی را داریم که پای هر سی دی مداحی و منبر و تولیدات در این حوزه و مستندسازی این مجالس را امضا کند؟ این نکته جدی است، پیشنهاد من این است که یک سال قبل از محرم این مرکز را راه اندازی کنیم، باید مرکزی برای رصد وجود داشته باشد، لازم نیست یک مرکز دادگاهی و دفاعی و سلبی اتفاق بیفتد، ولی می توان افراد را دعوت و با آنها صحبت کرد، حتی اگر مشکلی پیدا شد با گفتگو، بزرگ منشی و ریش سفیدی آن را حل کرد، اما حتی این هم اتفاق نمی افتد، چرا باید یک منبر یا خطابه در جامعه ما مطرح شود، در تمام فضای مجازی جامعه ما دور بخورد، در خارج از کشور و رسانه های خارج از کشور به آن استناد شود ولی یک جلسه با حضور این منبری در مرکزی که متولی این کار است با رفاقت و صمیمیت برگزار نشود تا با او حرف بزئیم و از نزدیک مسائل را بشنویم و مسائل را با او مطرح کنیم؟

✦ عمده آسیب ها و آفت های مجالس عاشورا را در چه می بینید؟ نکته قابل توجه در این گونه مجالس، عدم توجه

به این نکته است که توسل مقدمه تقرب است، ما معتقدیم هیئت و مجلس آیینی و دینی که مشارکت و خدمات اجتماعی در آن شکل نگیرد و شکلی از دلدادگی نسبت به اصول و مبانی دینی که بخشی از آن مسلماً دوری از حرمت ها و بی توجهی به برخی معصیت ها و گناهان در جریان کار در آن نباشد اشکال دارد، ما معتقدیم که این جریان در هیئت های مذهبی و مجالس آیینی ما دارد فدای مرید و مرادبازی ها می شود، یعنی مجموعه هایی شکل می گیرند و انسان هایی مشهور می شوند. چه کسانی این مجموعه ها را پر و بال دادند و این انسان ها را وجهه دادند؟ پاسخ، مردم است، مردم کمک می کنند که این مجالس و این انسان ها به عنوان کسانی که در خدمت این مجالس اند وجهه ای پیدا کنند و شکل بگیرند و بزرگ شوند، مردم باعث می شوند که این اتفاق بیفتد، بعد خود مردم مبهوت این مجالس و این آدم ها می شوند، جنسی از بت وارگی در مجالس آیینی و دینی ما شکل می گیرد که اجازه بروز و ظهور نظرات و آرا و ورود انسان هایی که مخلصانه و اندیشمندانه و متعهدانه می خواهند وارد این حوزه از مجالس شوند و جلوی همان آسیب های حداقلی را بگیرد و به رشد و بازخوانی هویت هیئت برای رسیدن به آن کارکردهای اجتماعی و تاثیرگذاری کامل و همه جانبه اجتماعی در حوزه جمعی برسند را نمی دهند. بنده معتقدم اگر هیئتی نتواند در محل و موقعیتی که برگزار می شود جوانانی را از اعتیاد، خانواده هایی را از طلاق، فقرایی را از فقر و وضعیت نابسامان معیشتی، و مردم را از اختلاف رها سازد و مسائلی که در همسایگی آن مجموعه هیئت است را حل کند، در دوره امروز اسمش هیئت نیست، دوره امروز ما دوره ای نیست که هیئت ها تنها در بخشی از جریان سیاسی و در مقاطع حساس سیاسی جامعه ورود پیدا کنند، این کارکرد هیئت نیست، این ظلم به هیئت و ظلم به هویت هیئت و کارکرد هیئت امروز است، باید در این حوزه و این جهت، مجموعه ای از کارکردها را برای هیئت از جمله مشارکت ها و خدمات اجتماعی، از میان بردن فاصله های طبقاتی، رفتن به سمت کاهش خلاف ها و بزه های اجتماعی، و ایجاد محملی برای ترویج مکتب دینی خودمان را در هیئت ها ایجاد کنیم تا بشود اسم آن را هیئت گذاشت.

نکته دیگری که ما در محرم ها و در اوج مناسبت های دینی با آن مواجه هستیم خطر نمایشی شدن آیین است که مشتمل بر مجموعه ای از رقابت های نادرست، خرج های ناشایست و هزینه های بی جهت، تزئینات و دکورهای بیش از حد تصور، ایجاد نیازهای کاذب در مخاطب در ارائه شیوه ها و سبک ها و مطالب است، در کنار این موارد نمایشی شدن آیین ما دارد به عنوان یک مسئله جدی مطرح می شود؛ اتفاقی که امروزه به میدان مسابقه میان

مجموعه های دینی تبدیل شده و هر سال بیش از پیش تکرار می شود، مجالس را در میدان های شهر پیاده می کنند و بعد به صدا و سیما و رسانه ملی اعلام می کنند که ما هم میدانی داریم و می توانیم جلوی دوربین های شما به عزاداری بپردازیم، و بعد رسانه ملی در یک صفحه، شش تصویر از مراسم عزاداری شش شهرستان که هیچ چیزی از آن پیدا نیست و چیزی نیست جز رقابت ناسالم را به نمایش می گذارد، این اتفاق به چه قیمتی باید بیفتد؟ البته ما در محرم به تظاهر و حرکات دسته ها نیازمندیم، ولی نه صرفاً برای اینکه در معرض قرار گیرد و نمایشگاهی آیینی برپا شود، این کار که در کشورهای مختلف دنیا هم دارد انجام می شود، در موقعیتی این کار را انجام می دهند که توریست بیاید بلیط بگیرد و این کار را ببیند، این مشکل در مجالس عزاداری ما، یعنی نبود اخلاص، حتی عدم تظاهر، نگاه به صواب و نه برای تعریف و تمجید کسی، و تواضع مشکلی جدی است.

بحث دیگر، هزینه هایی است که برای فیلم برداری از مجالس پرداخت می شود، سبک فیلم هایی که از مجالس ما خارج می شود و مجموعه هایی که ولو با نیت خیر برای اینکه مجلس به صورت حرفه ای برگزار شود به سراغ مستندساز می روند، که شما اگر مجلس عزاداری را با مجلسی که در یک کشور دیگر و با عنوانی دیگر که نمی خواهیم به جزئیات آن ورود پیدا کنم مقایسه کنید، در نوع تصویربرداری اینها کاملاً جهات مشترک خواهید دید، اینکه دوربین از زیر پای عزادار حرکت کند، بعد از سقف آویزان شود، بعد از پشت سر مداح چرخ بزند، سپس نورها روی یک نقطه متمرکز شوند و ...، دکورهایی که میلیون ها تومان برای تزئین مجلس مذهبی حتی یک مجموعه هزینه می شود، ما حق نداریم، این ساختارشکنی ها و حریم شکنی ها که مثلاً چند نخل را از کشورهای جنوبی بار کنند و به نقطه ای در شمالی ترین مناطق کشور ببرند که مثلاً بخواهند یک دکور درست کنند، ما باید دنبال جاذبه، تنوع و سلیقه مخاطب باشیم، ولی به چه قیمتی؟ آیا دل مان برای مجالس قدیمی، پیر غلام ها با صداهای گرفته، و استکان های چای آخر مجلس تنگ نشده و نمی شود؟

نکته دیگر، ابداع سبک ها، روش ها و شیوه های عزاداری است که خود ما به صورت کاذب برای برآورده کردن نیاز کاذب و عطش مخاطب ایجاد کرده ایم، سال ها گاهی در یک هیئت یک سبک خوانده می شد و آن سبک ارزش خواننده شدن داشت، چرا باید در هر شب دهه محرم سه سبک خوانده شود و فردا شب آن سبک برای مستمع قابل تحمل نباشد و منتظر ارائه سبک جدید باشد؟ آن مستمعی که بناست هر شب سه سبک را با سه محتوا با سه شکل از ضرب و سینه زنی گوش

کند چه مقدار از توجه او صرف این جریان و چه مقدار از توجهش صرف تامل در وقار و دلداگی به صاحب این مجلس می گردد؟ این جریان نمایشی شدن، موضوعی است که به نظر من، ما را از برگزاری مجلسی که مجلس فرهیختگان است، به سمت روضه خوانی توده ها نزدیک می کند، نه به معنای صحیح و مثبت اش که عزاداری سنتی باشد، بلکه جنسی از مجالس عوام پسند حتی بعد از مدتی دور شدن از توجه همان عوام، که حاضر نیستند همان مجلس را یک بار دیگر بشنوند، ما کی بناست مداحی مان به سمت یک منبر منظوم برود؟ این یک قله است. کی بناست منبر ما و وعظ و خطابه ما به سمت ارتباط با مخاطب، تاثیر و اقناع مخاطب و بالا بردن سطح معرفت مخاطب و قرار دادن او در جاده تقرب الی الله باشد و نه توجه به ما. مرید در خانه خدا جمع کنیم.

چه راهکاری را برای مقابله با این آفات پیشنهاد می کنید؟

امیدوارم این مسائل حل شود و البته راه دارد، راهش ایجاد آن رصدگاه فرهنگی است که بدان اشاره کردم، راهش ورود این مباحث به کرسی های درس خارج از حوزه است، راهش برگزاری سلسله نشست ها و کرسی های آزاد اندیشی است، راهش ایجاد حداقل ده مرکز تخصصی است که بتوانند حداقل یک ششم عمر جامعه ما را برنامه ریزی کنند، محرم و صفر حداقل آن است، باقی مناسبات را بگذاریم کنار، فاطمیه، رمضان، عرفه، اعتکاف، موالید، وفیات، اعیاد و ...، به نظر من این یک سوم عمر جامعه ماست، نمی ارزد؟ یک مرکز در حوزه سبک ها و آهنگ ها، یک مرکز در حوزه ادبیات آیینی، یک مرکز در حوزه آرایه های بصری و تزئینات مجالس، یک مرکز در حوزه فن رسا و شیوه روضه خوانی و مقتل خوانی، یک مرکز در حوزه فن بیان و خطابه، و اصلاً موسسه وعظ و خطابه شکل بگیرد، نه یک موسسه بتوانیم رقابت های سالم را بین موسسه ها هم شکل دهیم، یک موسسه و دو موسسه در هر کدام لازم است، ما در بسیاری از حوزه ها حتی یک موسسه این چنینی نداریم، مجموعه های فرهنگی ما وظایف خودشان را در این حوزه یا تعریف نکرده و یا فراموش کرده اند، لذا جنسی از کارهای موازی، متداخل و مقطعی شکل گرفته است. به نظر من، جامعه، مردم، مجالس، مداحان، منبری ها و عناصر تاثیرگذار دارند کارشان را خیلی خوب انجام می دهند، بنده هیچ نقدی به آنها ندارم و همواره این اخلاص و همت را به آنها گفته ام، مشکل از جای دیگر است و ما هیچ گاه دیواری کوتاه تر از دیوار مداحی و هیئت و منبر پیدا نکرده ایم. ■



نازل شدن کلام در نوحه‌ها

دکتر اسماعیل امینی، عضو هیئت علمی بنیاد دعبل

مذهبی، ادامه سنت‌های پسندیده بزرگانی است که قرن‌ها پرچم محبت اهل بیت علیهم‌السلام را بر دوش کشیده‌اند و در این راه از جان و مال خویش دریغ نداشته‌اند. پس موضوع خطیری از این دست، نباید دستخوش روزمرگی، پسندها و هوس‌های این و آن شود.

اگر مداحی، منقبت‌خوانی و ذاکری با فرهنگ شیعی و میراث ارزشمند دفاع از حریم‌های اعتقادی پیوندی نداشت، تبعیت برخی مداحان از پسند مخاطبان و مشتریان‌شان، چندان ناشایست نبود. چنان که در بازار موسیقی عامه‌پسند چنین است، خوانندگان چیزی را می‌خوانند که مورد پسند مشتریان است و خریدار دارد. اما تحولات شکلی و محتوایی اشعار و نغمات هیئت‌های مذهبی نباید تابع منطق سوداگرانه عرضه و تقاضا باشد، زیرا مداحی اهل بیت علیهم‌السلام مانند موسیقی عامه‌پسند نیست، یعنی نه برای لذت‌بردن مخاطبان است، نه به قصد سرگرمی و نه برای چهره‌سازی و کسب شهرت مداحان و ذاکران و رونق بازار این و کسادی بازار آن دیگری.

این شاخه از هنر شیعی، مانند دیگر نهادها و نمادهای فرهنگی شیعه، در خدمت ترویج معارف اهل بیت علیهم‌السلام و احیای ارزش‌های معنوی و اعتلای فرهنگی و فکری مخاطبان است. بنابراین نمی‌تواند از طریق آثار نازل و شیوه‌های مبتدل و تبعیت از پسندها و هوس‌های مخاطبان پرشمار و کم حوصله، راه به جایی ببرد. ■

بر ظرایف سخنوری و اصول اولیه هنر شاعری، و به جای آن‌ها شورآفرینی، تأثیرگذاری آبی و سطحی، سهل‌الوصول بودن کلام و شگفت‌کاری‌های دیگر برای جلب نظر مخاطبان پرشمار و کم حوصله، اهمیت یافته است.

این وضعیت، حاصل مجموعه‌ای از تحولات اجتماعی است که احصای آن‌ها در حوزه تخصص من است و نه در مجال و حوصله این نوشته کوتاه، اما این قدر هست که شرایط به گونه‌ای فراهم آمده که اینک نازل‌ترین سطح پسند و ذوق مخاطبان پرشمار، معیار اصلی شکل‌گیری بسیاری از سروده‌هایی است که در محافل بزرگ و با اجرای مداحان مشهور عرضه می‌شود.

نازل شدن تدریجی کلام در نوحه‌ها و حرکت اشعار و سروده‌ها به سمت ابتذال زبانی و معنایی در سال‌های اخیر شتاب بیشتری گرفته است و به نظر می‌رسد که جاذبه رسانه‌های جدید و سرعت، سهولت و نیز وسعت انتشار آثار و اجراهای سطحی و پرشور و هیجان‌چنان سرگرم‌کننده بوده است که مجالی برای تأمل و بازنگری در این موضوع خطیر باقی نگذاشته است. فرهنگ شیعی و فضای حاکم بر محافل و هیئت‌های

محافل و هیئت‌های مذهبی از دیرباز محل عرضه شعر، نوحه، مدیحه‌سرایی و منقبت‌خوانی بوده است. برخی از شعرها، نوحه‌ها و سروده‌های دیگر، از آغاز برای عرضه در محافل مذهبی ساخته می‌شود و برخی دیگر به تناسب حال و مقام مجلس مورد نظر از میان سروده‌های موجود در دفترها و دیوان‌ها انتخاب می‌گردد. در گذشته، ذاکران و نوحه‌خوانان به اقتضای کار خود، با ظرایف و دقایق سخنوری و شعر آشنا بودند و حتی گروهی از ایشان، ذوق سرودن داشتند و چه بسیار چکامه‌های مطول که از بر داشتند و در هیئت‌ها به آوای خوش می‌خواندند و جان‌ها را می‌نواختند.

در گذشته، ارتباط شاعران با نغمه‌خوانان مذهبی به گونه‌ای بود که صلابت، سلامت و سلاست سخن، اولویت داشت و بر این بنیان، شاعران بودند که ذاکران را در برگزیدن کلام مناسب یاری می‌کردند. اما سالیانی است که مداحان و ذاکران، عمود خیمه محافل مذهبی شده‌اند و نه تنها شاعران که حتی علما و منبری‌ها، در زمره حاشیه‌نشینان و ملازمان ایشان محسوب می‌شوند. این است که در انتخاب کلام و حتی در هنگام ساخته شدن شعر و نوحه، منویات و پسند مداحان بر همه چیز مقدم است، حتی



گفت‌و‌گو با حجت الاسلام والمسلمین هوایی؛ معاونت پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی

سنت‌ها تا وقتی که تبدیل به خرافه نشوند خوب هستند

یکی از وظایفی که سازمان تبلیغات اسلامی دارد، ساماندهی هیئات مذهبی است. آیین‌نامه‌ای که این سازمان به عنوان قوانین هیئات ارائه کرده است، شامل بندهایی است که به نحوی باعث عزاداری مطلوب و فرهنگ‌سازی مناسب شود. با حجت الاسلام والمسلمین موسوی هوایی در رابطه با اقدامات و تعریفات سازمان تبلیغات اسلامی در موضوع هیئات مذهبی گفتگو کرده است.

در صحنه تبلیغ دین حضور پیدا کنند و این مطلب را سازمان تبلیغات اسلامی همیشه در نظر داشته است. خصوصاً در دوره ریاست جناب آقای دکتر خاموشی خیلی روی این مطلب کار و ساماندهی شد به این معنا که هیئات مذهبی ثبت شدند، هیئت‌امناها مشخص شد و اینکه کجا مکان اصلی این هیئت است و جلسات و مطالب مطرح شده چگونه هستند و سخنرانان و مداحان چه کسانی هستند تعیین شد. سازمان تبلیغات اسلامی برای اینکه بتواند در مسیر اهداف اصلی نظام باشد و ارزش‌های خون شهدا را تحقق ببخشد باید مراقبت‌هایی داشته باشد که

تبلیغات اسلامی زمینه‌هایی را فراهم می‌کند که مردم بتوانند درست‌تر، راحت‌تر و با گستره بیشتری در صحنه‌های حفظ و گسترش مفاهیم دین و عملکردهای مناسبی شرکت کنند. هیئات مذهبی در مسئله تبلیغ دین بسیار موثر هستند و در طول تاریخ تشیع، مسئله مردمی بودن تبلیغ دین را داشته‌ایم. به این معنا که وقتی رسول اسلام تشکیل حکومت می‌دهند آدم‌هایی که ایشان برای تبلیغ دین و قرآن می‌فرستند کاملاً مردمی و از خیل عظیم مردم بودند. لذا حکومت اسلامی موظف است زمینه صحیحی را فراهم کند تا مردم بتوانند

✚ وظیفه سازمان تبلیغات اسلامی در قبال هیئات مذهبی چیست و چه اقداماتی در این زمینه انجام داده است؟

سازمان تبلیغات اسلامی نهادی است که ریاست آن توسط مقام معظم رهبری تعیین می‌شود. اساس کار سازمان تبلیغات اسلامی تبلیغ دین به هدف و غایت تربیت دینی و به تعبیر حضرت آقا ساخت جامعه دینی است که بخشی از آن با تبلیغات و آموزش‌آحاد مردم و آمدن مردم در صحنه حمایت از دین و انقلاب اسلامی رقم می‌خورد. سازمان

خدای نکرده آسیب های مختلفی گریبانگیر هیئات نشود. اگر مسائلی وجود داشته باشد و هیئت از نهاد دین و قرآن و سیره اهل بیت فاصله گرفته باشد با حرکت فرهنگی صحیح و با حمایت درون هیئت رفع شود. حمایت درون هیئتی مثل شورای هیئات مذهبی که بسیاری از پیرغلامان و پیشکسوتان و همچنین جوانان در آن حضور دارند.

دشمنان می خواهند وضعیت هیئات را به شرایطی ببرند که قابل ارائه برای جوانان نباشد و منطقی پشت حرکات و تصمیمات هیئات نباشد و با منطق قرآن و اهل بیت خوانایی نداشته باشد.

در شورای هیئات مذهبی مباحثی از قبیل مسائلی که هیئات باید رعایت نکنند مطرح می شود. همچنین از نظر انتظام امور شهری یا مباحث امنیتی و اخلاقی در فضای دسته جات سینه زنی و مراقبت هایی که نیروی انتظامی باید از هیئت ها انجام دهد، هماهنگ می شود و جلساتی قبل از محرم و رمضان داریم. به نوعی هیئت ها هدایت درون گروهی دارند و راضی هستند. ما حدود صد هزار هیئت ثبت شده در کشور داریم. سازمان تبلیغات اسلامی وظیفه ساماندهی اینها را بر عهده دارد که در مسیر انقلاب و اهداف امام و رهبری قرار بگیرند تا نفوذ دشمنان انجام نگیرد. این اواخر و تا حدود هفت هشت سال دیگر روی آنتن ها برنامه هایی می رود که همان شیعه انگلیسی است و می خواهند وضعیت هیئات را به شرایطی ببرند که قابل ارائه برای جوانان نباشد و منطقی پشت حرکات و تصمیمات هیئات نباشد و با منطق قرآن و اهل بیت خوانایی نداشته باشد. اما بدون اینکه بخواهیم تشبیه کنیم می بینیم که بخشی از سران داعشی ها هم قرآن را حفظ هستند. اینها همان خوارج و همان هایی هستند که با امیرالمومنین (ع) در افتادند نباید فریب این شعارها را در قرن بیست و یکم بخوریم. دشمنان بهر حال دنبال نفوذ هستند.

✚ تعریف سازمان تبلیغات اسلامی از وهن چیست؟ آیا حمل علم و کتل جزو وهن محسوب می شود؟

ما باید نسبت به پالایش هیئات مذهبی اقدام کنیم. بعضی مسائل که با ساحت معصومین و رسالت عظیم هیئت متناسب نیست و اهداف هیئت را تغییر می دهد وهن می دانیم. چه در سخنرانی، چه در اشعار مداح و چه در اداره هیئت و یا علائم ظاهری هیئت ممکن است وهن وجود داشته باشد. اینها را ما بر مبنای قرآن و سیره اهل بیت و آنچه بزرگان دین، مراجع تقلید، امام (ره) و مقام معظم رهبری فرمودند تعریف کردیم و موظفیم که رعایت کنیم. اصل قضیه این است که امام حسین (ع) برای چیزی شهید شدند که مهمتر از امام حسین (ع) بود، این را ما باید بفهمیم. باب این را امام (ره) باز کرد.

حضرت زهرا (س) برای چیزی شهید شد که بزرگتر و بالاتر بود که آن حفظ و پیاده کردن اسلام در جامعه بود. امیرالمومنین (ع) هم عصمت عظیم الهی و هم ولایت عظیم الهی داشت. حضرت زهرا (س) مبارزه کردند که علی (ع) امام جامعه باشد که مردم بتوانند رشد کنند و به سمت خدا بروند. حرف امام حسین (ع) هم همین بود. وقتی کسی مثل یزید با صفات شرابخواری می گوید بازی سر جکومت بوده است همین معنی را می دهد. امام حسین (ع) برای حفظ اسلام و معارف اصیل اسلامی و وظیفه شرعی به دست گرفتن حکومت حرکت کردند. عزاداری ما نیز باید در راستای همان حرکت امام حسین باشد یعنی اسلام را حفظ کند. اسلام واقعی که به آن اسلام ناب محمدی می گویند نه شیعه انگلیسی و آمریکایی. جوانان ما طاقت ندارند که ما در لفافه صحبت کنیم و دشمنان ما گردن معارف ما و کسانی که معارف را حمل کنند بزنند.

باید توجه کرد که هیئت امام حسین موجب وهن هیئت و خدای نکرده وهن امام حسین نشود. مسائلی مثل نماز خواندن و احترام گذاشتن به بزرگترها و پیشکسوتان که اینها مسائل انسانی است و کسی نمی تواند بگوید اینها وهن هیئت شد. اما یک سلسله مسائلی وهن هیئت است. اینکه از تمام لوازم و آلات موسیقی که برای مجلس لهو و لعب استفاده می کنند همان را به همان سبک در هیئت پیاده کنند؛ معلوم است که وهن است و خود هیئت مسئول است و وظیفه انقلابی و طلبگی ما این است که متوجه کنیم اینها وهن است. آنچه در سازمان تبلیغات اسلامی به عنوان وهن مشخص شده یک کار تحقیقی، کارشناسی و زیربنایی بوده و از بزرگان دین گرفته شده است. آیین نامه ها و شرايطی که ما به هیئات دادیم که الان در خدمت نیروی انتظامی وزارت اطلاعات و وزارت کشور است؛ در جلسات مختلف بحث شده و نظرات درباره آن گفته شده و به جمع بندی دینی و انقلابی رسیدیم. اعمال آن هم کار شده که کم کم هیئات توجیه شوند. بنده خدمت بسیاری از هیئات رسیدم، باید دست کسانی که برای هیئت زحمت می کشند را بوسید چون محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته. بله محرم و صفر اسلام را زنده نگه داشته نه سلاطینی که بعضی های ما داریم. اسلام آن است که امام (ره)، مراجع تقلید و مقام معظم رهبری تعیین کردند. ما وظیفه داریم شفاف و صریح صحبت کنیم.

یکی از چیزهایی که مزاحم مردم و موجب می شده هیئت از محتوای انقلابی بودن فاصله و به ظواهر بپردازد. یکی مسئله علم یعنی علامت بود و این به معنای پرچم نیست بلکه به معنای علم های چند متری با شاخ و تیغه هاست. دیگری تصویر معصومین و نزدیکانشان بود. این دو را سازمان در دستور کار گذاشت. کجای اسلام گفته علم ۲۰ متری با آن همه

شاخ و برگ نماد است. نمی گوئیم با نماد مبارزه کنیم. می خواهیم این، اصل هیئت نباشد. الحمدلله این جا افتاد و کمتر شاهد این مسئله هستیم و اگر مزاحم رفت و آمد مردم شود نیروی انتظامی باید وارد شود. موضوع علم در کربلا نبوده اگر هم می خواهیم علائمی را زنده کنیم باید با فرهنگ معصوم و آنچه برای آن به شهادت رسیده تطبیق داشته باشد و مخالف آن نباشد. شهید مطهری در یادداشت ها دارند که این علم ها (علامت)هایی که ما به صورت افقی درست می کنیم؛ تنوعی برگرفته از صلیب است. در بعضی شهرهای اسپانیا مسیحی ها در روزی که به اعتقاد آنها مسیح شهید شده است؛ عزاداری می کنند و در عزاداری صلیب حمل می کنند و در عزاداری ها دستکش هایی دارند که پنجه دارد و صورت هایشان را با پنجه می زند و خراش می دهند یا در بعضی مراسم بی پوششی دارند. اینها از بعضی از آن مراسمات چون خوب فرض می شده؛ گرفته شده است.

ما نباید تشبیه به کفار داشته باشیم. اگر شبیه به کفار باشیم وهن محسوب می شود. اینکه هرچه تیغ علم بیشتر باشد جمعیت هیئت بیشتر شود اشتباه است. اگر سخنران اهل بیتی و انقلابی صحبت کند و مداح بیانش طوری باشد که وقتی می گوید برویم در سوریه بجنگیم همه بیایند؛ این هیئت حسینی و انقلابی می شود. الحمدلله در بسیاری از هیئت ها این شرایط را داریم. تقریباً همه شهدای مدافع حرم بچه هیئتی هستند. همان هایی که از حرم و کیان اسلام دفاع می کنند و امنیت اسلام را در منطقه نگه می دارند. ما از یهودی ها و زردشتی و همه ادیان دفاع می کنیم. وقتی داعشی ها حمله کردند همه اینها را سوزاندند. ما مدافع حریم انسانیت هستیم. حرم اهل بیت همه اینها را شامل می شود. کربلا وقتی زنده و سالم بماند و به آن مراجعه شود انسانیت زنده می ماند. اربعین این را برای عالم جا می اندازد. مسیحی ها بیشتر می آیند. این دفاع بزرگ از هیئت است. جنگ از کجا بود؟ ما خودمان در هیئت آقای انصاریان شرکت می کردیم و مداح بزرگوار حاج منصور که پیر مداحان است می خواند و بعد با هیجان به جنگ و جبهه می رفتیم. هم منطق و هم احساس داشتیم. هم شور داشتیم و هم شعور. هیئت باید در این راستا حرکت کند. این علامت یک چیز فرعی است. یا تصویر معصومین؛ ما از هیچ معصومی تصویر نداریم. اینکه راهب مسیحی عکس سر امام حسین (ع) را کشیده این داستان ها وجود دارد اما قوی و مستند نیست. این عکس چگونه حفظ شده؟ در اروپای آن زمان چه کسی این تصویر را کشیده؟ اینها خیلی مهم است. اروپای الان را نبینید که همه چیز را از سمت اسلام به سمت خودشان برده اند. وقتی مسلمین پشت مرزهای اسپانیا بوده اند اروپایی ها گزارش های مکتوب در تاریخ دارند که مسلمانان



انصاری قمه زدند؟ اینها بازی استعمار است برای اینکه ما را شبیه داعشی‌ها نشان بدهد. به داعش می‌گویند دولت اسلامی عراق و شام. و صدار هم تکرار می‌کنند یعنی لفظ داعش را اکثر خبرگزاری‌ها استفاده نمی‌کنند چون علیه اسلام و شیعه هستند و جنگ روانی می‌کنند. می‌گویند دولت اسلامی عراق و شام سرخوئد مسلمان‌ها را می‌برد. وقتی مقام معظم رهبری و هوشیاران جهان درباره حکومت فراگیر اسلامی صحبت می‌کنند؛ اینها می‌گویند این همان است و اگر وارد اروپا و آمریکا و شرق و غرب شود؛ سر می‌برد.

قمه زنی هم همینطور است. ما را به این شکل در دنیا نشان می‌دهند و می‌گویند اینها تمدن ندارند برویم برای اینها تمدن ببریم سربازهایمان را به عراق و افغانستان بریزیم. به یمن حمله کنیم که اینها تروریست هستند. اگر بر مبنای قمه زدن تفکر دنیا بر علیه اسلام برگردد؛ افرادی که قمه می‌زنند الی یوم القیامت مقصرند و به هیچ وجه نمی‌توانند پاسخ بدهند. نماز و روزه و حکم شرع نیست بلکه عده‌ای آن را اختراع کرده‌اند و سابقه در عزاداری مسیحیان هم دارد. اینکه می‌گویند حضرت زینب(س) سرشان را به محمل زدند به چند دلیل اشتباه است اولاً شترها بدون محمل بوده‌اند. حضرت زینب(س) روی شتر بدون محمل سخنرانی کرده‌اند. اما اینکه حضرت زینب(س) به عمد سر خود را شکانند به هیچ وجه به اهل بیت و آن هم به دختر امیرالمؤمنین نمی‌شود نسبت داد. تحقیقات

و هم بسیاری از مراجع این فتوا را داده‌اند. ضرر متناهی این چنینی به بدن حتماً چه علنی و چه غیر علنی حرام است. حتی اگر قمه زنی مشکلی نداشت الان دشمنان ما با آن چه می‌کنند؟ آیا این جزو واجبات و شعائر اسلامی است؟ مثلاً امام صادق(ع) برای عزای امام حسین(ع) قمه زدند؟ چرا چیزهایی که در دین قرار ندارد را در دین قرار می‌دهیم؟ بدعتی می‌گذاریم بعد می‌گوییم کسانی که این را قبول ندارند امام حسینی نیستند؟ در دوران مشروطه سفارت انگلیس بین سینه زن‌ها قمه و پارچه کفن پخش می‌کرده و بعد خودشان گزارش می‌دادند که ایرانی‌های وحشی برای امام سومشان خودشان را تکه تکه می‌کنند. قبل از انقلاب آمریکایی‌ها در ایران حتی به نام حق توحش در فیش حقوقی شان داشتند. این غیر انسان‌ها چنین انحرافات را تشویق می‌کردند. الان هم چه کسی این را تشویق می‌کند؟ شیعه انگلیسی.

اطراف حرم امام حسین و حضرت عباس را روز عاشورا و تاسوعا خون می‌گیرد و تمام شبکه‌های عالم فیلمبرداری می‌کنند. خب معلوم است می‌گویند اینها با خودشان این چنین می‌کنند... یک انسان نادان و جاهل به دین که متأسفانه لباس تبلیغ دین به تن دارد بچه کوچک را می‌آورد و آنقدر قمه را می‌زند که بالاخره فرق بچه را می‌شکافد که خون بیاید. کجا امام حسین این را فرموده؟ کجای مکتب ماست؟ کی آیت الله خویی، امام(ره)، بزرگان دین، شیخ انصاری، سیدین طاووس و خواجه عبدالله

ها وقتی با چوب مسواک می‌کردند تصور می‌کردند مسلمان‌ها دندان‌هایشان را تیز می‌کنند که آنها را بخورند! در آنجا نه حمامی بود و نه خوشبویی بدن معنا داشت. این تاریخ آنهاست. قرون وسطی اروپا یعنی قرن دهم تا دوازدهم مساوی با وقتی است که مسلمانان روی پنیر و خرما توری می‌کشیدند که مگس ننشیند و اگر مگس می‌نشست بخاطر آلوده شدن حق فروش نداشتند. بهداشت و حقوق بشر را اروپایی‌ها از ما گرفتند و حالا می‌خواهند به ما یاد بدهند. پس در آن زمان نقاش و با تصویری نبوده است. همه اینها برای دویست سیصد سال پیش است و آنها با موهبت مسلمان‌ها و استفاده درست از کتاب‌های علوم ما این شدند و ما بد استفاده کردیم. پس فکر نکنیم اینها تابلو نگه می‌داشتند. اینکه می‌گویند در موزه لوور تصویری هست نمی‌دانیم چقدر حقیقی است. ضمن اینکه اکثر این تصاویر را مسیحی‌ها و کلیمی‌ها کشیدند و ما نمی‌دانیم با چه تصور ذهنی کشیدند. مثلاً ممکن است حضرت عباس را طوری کشیدند که عصبانیت در چشمانش باشد. البته تصاویر کشیده شده در سطح متوسط به بالا هستند. اینطور نیست که هر هیئتی که عکس بزرگتری دارد شرف بیشتری دارد. الحمدلله عکس از هیئت‌ها جمع شده است.

نکته بزرگ دیگر در وهن هیئت‌ها مسئله قمه زنی است که هم قانوناً و هم شرعاً حرام و ممنوع است. ولی فقیه زمان فتوا داده و حکم حکومتی و اجتماعی داده است که قمه زنی ممنوع است. هم حضرت آقا

مفصلی بزرگان اسلام انجام دادند و گفته اند که این روایت واقعی نیست. نمی شود به حضرت زینب(س) نسبت داد که او در حالت عادی نبوده چراکه او نایب الامام است. از حضرت سجاد(ع) مسائل را سوال می کردند ولی کار اجرایی با زینب کبری(س) بوده است.

✦ با توجه به اینکه جوانان در اساسنامه سازمان تبلیغات مورد تاکید قرار گرفته اند و این ممنوعیت ها مسائلی است که جوان ها به طرف آن می روند؛ برنامه ای برای جایگزین کردن نمادها دارید؟

بله برنامه هایی وجود دارد. نمادهایی در کربلا داشتیم که همان پرچم های عمودی و افقی بود که به آن رایت الحسین می گفتند. روایت درباره چوبه پرچمی که به دست حضرت عباس بود داریم که آنقدر تیره آن اصابت کرد که فقط جای دست حضرت عباس مانده بود که نقل معروفی است البته آن پرچم عظیمی بود و شبیه این پرچم های معمولی نبود و از چندین کیلومتر معلوم بود. ایشان به عنوان علمدار و پاسدار و مدافع حریم اهل بیت این پرچم را می گرداندند و علامتی عظیم برای لشکر امام حسین(ع) بوده است. روایت شده که امام حسین(ع) به حضرت عباس می فرماید که تو اگر بروی و پرچم زمین بیفتد سپاه من متفرق می شود. حضرت عباس وقتی اجازه می گرفتند، امام حسین اجازه رفتن نمی دادند. الان در هیئت های ما پرچم گردانی فضای هیجان انگیزی دارد. خیمه زدن هم همچین. خیمه هایی که شباهت دارد. ما جلو درست کردن نمادها را نگرفتیم. اما آسیب ها را باید کم کنیم مثلا ساختن نمادی از گهواره تا وقتی که به خرافه تبدیل نشود اشکالی ندارد. روضه غذا و چایی امام حسین(ع) خوب است. به تعبیر حاج آقا تهرانی اگر کسی با اخلاص و پول سالم غذا برای امام حسین(ع) بپزد و آن غذا را در دهان مرده گذاشتید و زنده شد تعجب نکنید.

فکر نکنیم که سازمان تبلیغات این سنت ها را به هم ریخته است. اینها جزو اعتقادات ماست منتها نباید خرافی شود. فیلمی داریم از یکی از استان ها که آب ناودان پایین آمده و دیوار را گود کرده و شکل فردی است که کلاه خود دارد و پرچمی کنارش است. یک عده آدم شاید گفته اند بیاید ببینید عکس حضرت عباس است. دورش رمان سبز کشیده اند. حدود دوازده سال پیش که سازمان به شدت با آن برخورد کرد. از مردم پول می گرفتند که داخل شوند و به آب دست بکشند. وهایی ها همین چیزها را دست مایه قرار می دهند هرچند می دانند سند شیعه قرآن و سنت قولی و فعلی معصومین است. ولی خب این چه کاریست با امام حسین(ع) می کنیم. جمهوری

اسلامی و یک حکومت انسانی موظف است جلو این چیزها را بگیرد و عده ای از احساسات مردم سواستفاده نکنند. از آن طرف هم شک نداریم که وقتی کسی در بین الحزبین شفتا پیدا می کند واقعا شفا پیدا می کند. تحقیق می کنیم. دفتر کرامات امام رضا غرق این کرامات است که قبل و بعد از شفا ثبت شده است، اینها مشخص است، آزمایش شده و به شکل کتاب در آمده و در انتشارات آستان قدس است. اما ما می گوئیم تبدیل به خرافه نشود و بازی مان ندهند. باید با استدلال باشد. باید از چیزهایی که وهن هیئت است دوری کنیم. آن وقت جوانان ما می توانند دور پرچم جمع شوند و جوانان ما می توانند دور انسانی جمع شوند که هرچه بیشتر شبیه به امام حسین(ع) است. اگر یک روحانی یا سخنران خوبی که اخلاق و افکار خوبی و محقق و انقلابی است دور آن جمع شوند. آیا حتما باید علامت مادی پیدا کنیم؟ قرآن کعبه و مقام ابراهیم را معرفی کرد ولی اجازه نداده کعبه را جایی درست کنیم. البته می توانیم عکس آن را به عنوان نماد جایی که دوست داریم داشته باشیم اما نماد نباید جزو دین و جزو عزاداری شود.

اگر نمادهای تصویری درست کردند اشکالی ندارد. مثلا در نوروز با دوربین چند بعدی تصاویر کربلا را درست کردند. باعث شد حقیقت بیشتر منتقل شود و بیشتر متاثر کند. ما جلو این کارهای هنری را نمی گیریم البته آنها هم باید مستند و بر مبنای قرآن کریم کار انجام دهند. قرآن پیراهن یوسف را شفا دهنده می داند. منبر امام حسین(ع) و سینه زنی امام حسین(ع) شفا بخش هستند. طبق گفته آیت اله بروجردی که گلی که در مجلس امام حسین(ع) درست می کنند را به چشممان کشیدم و سوی چشممان برگشت. سنت ها تا وقتی که تبدیل به خرافه نشود خوب است. شکی در شفا بخشی ها نیست ولی یقین سر جای خود محکم است و پای آن می ایستیم. امام حسین(ع) با مکتب خود شفا بخش ظاهر و باطن انسانهاست.

✦ به گلی که در مجلس امام حسین درست می شود و متبرک است اشاره کردید. آیا نمی توان این را به علم ها و نمادهای دیگر تعمیم داد؟

علم یا علامتی در کربلا نبوده است. پرچم امام حسین(ع) در آن زمان وجود داشته اما علامت نبوده است. مثلا ضریح معنا دارد و حفظ حریم و مزار امام(ع) است. گنبد معنا دارد. گلدسته و گنبد نماد انسانی است که دو دستش را بالا برده و این نماد است. این نماد من را یاد امام حسین(ع) می اندازد. بله شعری داریم که «ای علم افراشته بر عالمین» معنی آن این است که نامدار شدی نه اینکه علامت را بلند کردی. نکته ای که وجود دارد این است که

اینها نباید اصل و مبنا نشود و به جای سخنران علم و به جای معرفت امام، چشم آبرو و دست و بازو مبنا شود. خود اهل بیت اینگونه نبودند، بلکه بر مبنای معرفت حرکت می کردند. حضرت زینب(س) فرمود: «ما رایت الا جمیلا» چه کسی می تواند این را درک کند؟ ما زیبایی می بینیم چون در راه دین و خداست که اگر نبود اسلام اصیل به کسی نمی رسید.

رشد هیئت در اضافه شدن تیغه ها به علم نیست بلکه کار هیئت تربیت نیرو برای اسلام، تشیع و انقلاب است

بله. علم را گاهی در کنار هیئت می گذارند ولی نبوده و باید اصالت ها را رعایت کنیم. در تحقیقات ما هست. باید با معرفت صحیح تاریخی و بر طبق معارف اهل بیت حرکت کنیم. اینکه مثلا دسته سینه زنی راه نیفتد تا علم نرفته صحیح نیست. در آیین نامه ها مخالفتیم و سندیت اسلامی ندارد. نه به هیئت کمک می کند نه به شور حسینی کمک می کند. من سالی بیش از ۵۰۰ منبر می روم و با این فضا و مداحان و هیئت ها آشنا هستم. دست بوسی شان رفته اما نباید خرافات وارد کنیم. بزرگان کشور راضی نیستند چیزی که در مکتب نبوده وارد شود. آیا رشد هیئت در این است که هر سال چند تیغه به علم اضافه شود؟ نه، رشد هیئت در این است که از دوره راهنمایی به جای هزینه برای علم جوانان را جذب و تربیت کنیم تفریح و استخر برایشان بگذاریم. روحانی خوش ذوقی که با جوان ها می تواند ارتباط خوبی داشته باشد بگذاریم. مداحی، روضه خوانی سخنرانی یاد بدهیم که مداح و طلبه بشود. کار هیئت تربیت نیرو برای اسلام، تشیع و انقلاب است. الحمدلله هیئت های مخالف در شهرهای مختلف این شرایط را دارند و نیرو برای انقلاب و مدافع برای حریم اهل بیت و حریم انقلاب و انسانیت تربیت کرده اند.

حجت الاسلام دکتر خاموشی رییس سازمان تبلیغات اسلامی، کارهایش را خاموش انجام می دهد. بسیاری از هیئت ها هرساله با انحاء مختلف از سازمان کمک می گیرند. اصلی ترین مساله برای سازمان، ساماندهی حرکت اصلی جهت دهی و ثبت آن است. در نمایشگاه عطر سیب هم با توافق سازمان حرکت هایی انجام می شود. در استان ها حداقل ده الی پانزده سخنران استانی با سازمان مرتبط هستند و جلساتشان را سازمان ساماندهی می کند. سازمان تبلیغات اسلامی تا جایی که توان دارد کمک می کند اما این را بدانید که سازمان تبلیغات اسلامی آنچه که باید بودجه ندارد که بتواند کمک زیادی کند. همانطور که حضرت آقا فرمودند سازمان تبلیغات اسلامی باید به گونه ای حرکت کند که مردمی بودن هیئات مذهبی به هم نریزد. مردم خودشان ظرفیت ها را بیابورند و برای امام حسین(ع) خرج کنند. البته وقتی عزیزان به سازمان



تبلیغات مراجعه می کنند، کمک های مختصری در حد سازمان به آنها انجام می شود اما اینطور نیست که همه هیئت ها به سازمان وابستگی مالی داشته باشند. دولت محترم با همه عظمت و بودجه هم نمی تواند مسئولیت مالی هیئات را برعهده بگیرد چون انقدر بساط امام حسین گسترده است که کسی توانش را ندارد. این خود مردم هستند که هیئات مذهبی را هدایت می کنند و اکثر هیئات ما در جهت انقلاب اسلامی حرکت می کند.

✚ از نظر سازمان تبلیغات اسلامی عزاداری مطلوب چه نوع عزاداری است و چگونه باید فرهنگ عاشورایی را نشان بدهد؟

مسئله اصل عزاداری که مورد تایید اهل بیت و رسول الله (ص) است. در نقل های مختلف تاریخی آمده و اهل سنت هم نقل کرده اند که پیامبر (ص) فرمودند: کسی نیست که برای عموم حمزه عزاداری کند و از خانمها خواستند و حضرت فاطمه (س) برای حضرت حمزه عزاداری کردند. بنابراین اصل عزاداری برای معصوم سیدالشهدا و فاجعه عظیم کربلا و همه اهل بیت باید باشد. عزاداری باید با جمعیت زیاد و به تعبیر حضرت آقا کار تمیز و عالی فرهنگی باشد. فرقه وها بیت که جزو فرق اسلامی نیست چون هیچ چیزش به اسلام نرفته، همه چیز را حرام می داند و حتی قبر و ضریح را حرام می داند. در قرآن داریم که مکانی که اصحاب کهف به خواب رفتند عبادتگاه قرار

دادند. اما اینها می گویند عبادتگاه چنین است و چنان است. چگونگی عزاداری و عزاداری مطلوب به شرایط زمان و مکان و عرف صحیح دین بستگی دارد. مثلا لباس مشکی پوشیدن نشانه عزاست از آن طرف پوشیدن مشکی کراهت دارد اما بسیاری از بزرگان فرموده اند پوشیدن لباس مشکی برای عزای امام حسین اشکالی ندارد. امام خمینی برای ما و برای بزرگان دین ما شاخص است. مگر به عظمت امام کسی می آید؟ حضرت آیت اله خامنه ای از شاگردان بزرگ امام هستند. امام فقیه بزرگ و مفسر و عزادار ابا عبدالله بودند ولی روز عاشورا که در صحنه تلویزیون می آید را ببینید که مشکی نپوشیدند. این برای ما ملاک است. روز عاشورا فقیه که اینچنین اشک می ریزد و مرتبط با امام حسین (ع) است و کسی که حواسش اینقدر جمع است چرا پیراهن مشکی نپوشیدند؟ چون اصلا سنت پیامبر نبوده در مقطعی به عنوان شعائر ما در آمده و در سوم و هفتم امام جزو شعائر ما شده است. جزو مکتب اهل بیت نیست. مراجع و علما اکثریت مشکی نمی پوشیدند. آنها بهتر امام حسین را می شناسند یا من طلبه و مداح و سخنران و سینه زن. چرا جای آدمها را عوض می کنیم؟ سینه زن باید تابع امام حسین (ع) باشد. امام حسین (ع) می خواهد ما از مرجع تقلید عاقل، عادل و مخالف با دشمنان اسلام پیروی کنیم. اگر مرجع تقلید فرمود این مدل عزاداری به صلاح اسلام نیست مقلد هستید و باید پیروی کنید. یکی از سنت های عزاداری این است که مثل

مصیبت زده ها گریه کنیم و ناله و زجه بزنیم. سنت این بوده است. اینکه به سینه می زنیم، عرف است. تا وقتی که سینه زنی اصل نشود و امام حسین کنار نرود و تا وقتی که نماد مکتب و شعور حسینی است؛ سینه زنی خوب است. الحمدلله از بعد انقلاب رشد کردیم و الان در سینه زنی های بزرگ که صدا و سیما هم پخش می کند این شعور حسینی را می بینیم. این مداحی ها کمک به انقلاب و ارزش های کشور می کند. اینکه بیست هزار نفر با هم سینه بزنند، یعنی ما بیست هزار نفر اگر یک فرمانده داشته باشیم و رهبر دستور بدهد هر جایی را می توانیم فتح کنیم. زنجیر معمولی مشکلی ندارد اما زنجیری که تیغ دارد و بدن را زخم می کند حرام است. سازمان تبلیغات اسلامی با آن موافق نیست چون دین و مراجع موافق نیستند. امام می فرمودند عزاداری باید به شکل سنتی باشد. یا مثلا آیت اله بروجردی گفتند لباس زنانه پوشیدن و نقش زنان را بازی کردن درست نیست و عده ای تبعیت نکردند و گفتند ۳۶۴ روز ما از شما تبعیت می کنیم یک روز شما از ما. اگر صحت داشته باشد کل همان ۳۶۴ روز هم زیر سوال می رود. چون از مرجع تقلید تبعیت نکرده اند. با کار حرام نمی شود و با کاری که نه واجب و نه مستحب است نمی شود تبلیغ دین امام حسین (ع) را کرد. عزاداری مطلوب آن است که شعور بدهد و معرفت بدهد و دشمنان را بشناساند. شهید مطهری گفت: شمر زمانت را بشناس. شمر زمان ما الان اسرائیل است همین الان که ما عزاداری می کنیم با غزه و

با بچه های بیگانه چه می کند و چه توطئه ای برای کردستان عراق و تکه کردن کشورهای اسلامی دارد؟ در تل آویو بیمارستان مجهز و بزرگ در اختیار داعش بوده و داعشی ها دست پرورده آمریکا و اسرائیل هستند. اینکه در هیئت علیه اسرائیل و آمریکا حرف نزنند یعنی چه؟ کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا که مفهوم درست و معرفی است. الان ترامپ یزید و معاویه زمان ماست. بعضی ها که نقش کمک به آنها را دارند آنها هم عمروعاص زمان هستند. بعضی سخنران ها علنا می گویند بعضی ها در لفافه. هیئت جای شور و شعور است. باید سینه زنی عالی، مرتب، منظم و با آه و سوز باشد. بیشتر گریه کنند و دل ها بسوزد. با درک بلای معصوم به امام حسین (ع) متصل می شویم. الحمدلله مداح های معروفی داریم که انقلابی هستند و اشعار خوب استفاده می کنند که مردم هم گریه می کنند و هم سینه می زنند. هم سخنرانان خوبی داریم که آیات قرآن و روایات معنبر را می گویند. اینها نعمت های بزرگی است. امام حسین (ع) و حضرت زهرا (س) از چنین هیئت هایی راضی هستند. هیئت باید انسان، نیرو، دانشمند متقی و با تقوا پرورش دهد که در هر جایی اخلاق درست دارد البته اکثریت قریب به اتفاق اینگونه اند. هر کسی در هر جایگاهی که هست به خوبی و مطلوب باید وظایف خود را انجام دهد و هیئت می تواند این را احیا کند. دشمن می خواهد خطای یک نفر را که خود جمهوری اسلامی کشف کرده، پخش کرده و جلو آن را گرفته؛ پرننگ کند.

با توجه به اینکه هیئت ها تا این جد جریان ساز هستند امروز چه آسیبی متوجه آنهاست؟ و دشمن چه برنامه هایی برای هیئات مذهبی ما دارد؟ مداح ها و سخنران ها چگونه باید مراقب باشند؟

آسیب های مختلفی متوجه هیئت است. عظیم ترین آسیب این است که هیئت بازبچه دست دشمنان انقلاب و تشیع شود. خدای نکرده سخنران یا مداح ارتباطات پنهانی با جاهای مختلفی داشته باشند و صحبت کند و جوانان را به سمت دیگری سوق دهد. باید تمام قد جلو این گونه افراد ایستاد و آشنا و غریبه ندارد. این یکی از آسیب ها در هیئت هاست که می خواهند در حواشی هیئت ها و حواشی زندگی مداحان که اکثر آنها انقلابی و اهل تقوا انقلابی جبهه ای هستند؛ وارد شوند. دشمن می خواهد خطای یک نفر را که خود جمهوری اسلامی کشف کرده، پخش کرده و جلو آن را گرفته پرننگ کند. این نشان می دهد ما هشیار و بیداریم و مراقب هستیم و دشمنان نمی توانند با نفوذ در آنها همه را خراب کنند.

یکی از مسائلی که این موج را علیه هیئات مذهبی از بین برد شهادت شهید حججی بود. آقا فرمودند از صفات خاصی که او داشت و او را تا این حد عزیز کرد اخلاص و بی سر و صدا بودن او بود و اینکه هر کجا کار بود به همان جا می رفت ولو سخت بود. خالص بودن این شهید موج قبلی که می خواست مداح و دین و سخنران را بززند از بین برد. اگر مجالس امام حسین (ع) تعطیل شود، دین از بین می رود. چراغ هیئت درست را باید روشن نگه داشت. این ضرورت دین و دنیای ماست. امنیت ما با هیئت و دسته جات سینه زنی حفظ می شود. آسیب دیگر این است که هیئت انقلابی نباشد و کاری به شهدا و خون شهیدان و انقلاب و رهبری و امام نداشته باشد. اگر سیاسی نیستید برای چه هیئت سخنرانی و مداحی برگزار می کنید؟

امام حسین (ع) بالاترین سیاستمدار بوده که فقط سخنرانی نمی کند. حرکت می کند و شهید می شود. امام حسین (ع) باید حرکت می فرمود و حرکت کرد تا ادله ظاهری برود و یزید را سرنگون کند. سی هزار نامه برای ایشان نوشتند. در باطن هم می دانستند چه اتفاقی می افتد اما آنها مامور به علم ظاهری هستند و همانطور حرکت کردند و عظمتشان در این است که می دانند و صبر می کنند و به شهادت می رسند. باید هیئت را داشته باشیم. اما هیئت باید انقلابی باشد. به تعبیر حضرت آقا هیئت سکولار چه می خواهد بگوید؟ شعرای فارسی زبان، ترک زبان و عرب زبان شعرهای احیاگر انقلابی سروده اند. قدیمی ها از مبارزه با ظلم می گفتند و ساواک به دنبالشان بود که نگویند. هیئت را وارد جریانات سیاسی چپ و راست نکنید بلکه باید پیرو ولی فقیه زمان باشید. آنچه از ولی فقیه می فهمید باید جریان دهی شود. باید در آن معارف گفته شود. امام حسین (ع) برای معارف کشته شد. نود درصد هیئت باید معارف به فراخور افراد و زمان و مکان و سن باشد. معارف امام حسین (ع) باید منتقل شود.

هیئت مطلوب باید جذب بالا داشته باشد. یعنی آدم هایی که تیششان به هیئت امام حسین (ع) نمی خورد را طرد نکنید بلکه با آنها مهربان باشید و به آنها بدبین نباشد. اگر خانمهایی که حجاب کافی ندارند یا آقایان لباس مناسب ندارند طرد نشوند. مستند از لاک جیغ تا خدا را دیده ایم. اکثریت قریب به اتفاق یا در راهبان نور یا در هیئات امام حسین (ع) متحول شدند. جذب هیئت شدند و تغییر و تحول روحی در آنها ایجاد شده اند. این سنت حسنه است. حر توبه می کند و امام حسین (ع) می پذیرد. منتها اینکه نماد هیئت این باشد که تمام افراد، آنهایی باشند که حجاب خوب ندارند و هن برای امام حسین (ع) است. کسی که به هیئت می آید باید حرمت امام حسین (ع) را نگه دارد.

امروز جلساتی که توسط کت و شلواری ها برگزار می شود بیشتر مورد توجه جوانان است. چرا جوانان بیشتر به سراغ کت شلواری ها می روند و جلسات روحانی ها جلسات کوچتری است؟

اینطور نیست. مگر جلسات آقای پناهیان یا آقای علوی تهرانی جلسات کوچکی هستند؟ جوان ها بی که پای صحبت حاج محمود می آیند پای صحبت حاج علوی تهرانی می نشینند. خیلی هایشان یادداشت می کنند. اما مسئله این است که چرا اصل را بر این می گیریم که سخنران هیئت باید روحانی باشد؟ این یک اصلی است که جزو توصیه ها و سفارشات خود اهل بیت است که به این معناست که معارف دینی را باید از متخصص متخصص با معرفت زمان شناس و انقلابی گرفت. این متخصص در حوزه تربیت می شود، باید ملبس شود و لباس روحانیت را تبلیغ کند. ما همیشه از عزیزان سخنران و با نفوذ می خواهیم که ملبس شوند. آقای بی آزار شیرازی به توصیه رهبر در سن ۵۰ سالگی عمامه گذاشتند و تبلیغشان را ملبس ادامه دادند. آنهایی که سخنران هستند همگی اهل حوزه بودند. رحیم پو ازغدی و حسینی طلبه هستند ولی ملبس نشدند. مگر جوانان از آقای پناهیان فرار می کنند؟ نه جلسات مختلفشان را می روند و اینطور نیست که فرار کنند.

روحانی اگر مثل پیامبر (ص) اهل رعایت مسائل شرعی و اهل احترام به مردم باشند و شرایط روحانی مطلوب بودن داشته باشد؛ مردم به دنبالش می روند و حرفش را گوش می دهند. دشمنان بسیار تلاش می کنند جلوه روحانیت را خراب کنند. نسبت به دوستان و عزیزان باسوادی که به تعبیری کت شلواری هستند و در هیئات صحبت می کنند منعی نداریم ولی این نباید اصل شود. از همین بزرگواران بارها تقاضا کردیم ملبس شوند. اگر درس حوزه نخواندند حق منبر رفتن ندارند. اگر معرفت به اسلام ندارند نباید سخنرانی کنند. اما اکثرا توانش را دارند و مطالعات وسیعی درباره مطالب اسلامی دارند و خیلی از آنها طلبه هستند ولی ملبس نشده اند.

اگر خدای نکرده عزیزان مکتب انقلابی حرف نزنند بحث دیگری است. ولی آن بزرگواران نیز صحبت های خوبی دارند و ما درخواستمان این است که خوف نکنند و ملبس شوند که هم ملبس ها بدانند که باید اخلاق و دین صحیح را ارائه کنند و مکتب ها بدانند لباس پیامبر است. اما ما ایرادی نمی انیم. بالای ۱۵۰ هیئت داریم که پنج یا ده نفر عزیزان کت و شلواری در آن هستند اما این نباید باب شود. طلبه های ما باید تحلیل کنند و به روش این بزرگواران دقت کنند و از آن استفاده کنند. ■



از تظاهر به عزاداری تا سرکوب عزاداران

محمدرضا کائینی: عزاداری حسینی در کشور ما به ویژه در ایران معاصر، تاریخچه‌ای مبسوط دارد. این تاریخچه در مقطع پهلوی اول بس خواندنی می‌شود و تظاهرات رضاخان در به راه انداختن دسته‌جات سوگواری قزاقان و سپس ممانعت شدید وی از این آیین و زیرزمینی شدن آن، از سرفصل‌های شاخص این دوره به شمار می‌رود. در مقالی که پیش‌رو دارید، بخش‌هایی از این تاریخ مورد بازخوانی قرار گرفته است. امیدآنکه مقبول افتد.

بازار شدند. دسته قزاق‌ها همراه خودشان یک دسته بالابانچی (دسته موزیک) هم داشتند که مارش عزای می‌زدند و قزاق‌ها نوحه زیر را می‌خواندند:

اگر در کربلا قزاق بودی ...

افزون بر این، در شب ۱۱ محرم نیز سردار سپه و عده‌ای از افسران قزاقخانه که در میان آنها سرلشکر امان‌الله جهانبانی و سرلشکر عبدالله‌خان امیرطهماسبی با بازوبند مشکی و سر برهنه و یک شمع گچی در دست، در مسجد شیخ عبدالحسین حضور یافتند. آیت‌الله سید بدلا که خود از نزدیک این دسته را دیده بود در وصف آن اینگونه می‌گوید: «به هر تقدیر وقتی قرار شد دسته قزاق‌ها وارد منزل آقای بهبهانی شوند، برای اینکه منزل گنجایش تمام افراد را نداشته باشد، از ورود افراد پراکنده و بچه‌ها جلوگیری می‌کردند، ولی من اجازه ورود داشتم و در آنجا همراه دوستان مشغول بازی و جست‌وخیز بودیم. ماحتی برای تماشای نظم و ترتیب قزاق‌ها و انضباط شدیدی که میان آنان حاکم

قزاقخانه، رسم دیرین را تجدید کردند. آنها از اوایل دهه راه افتادند و هر روز با شمار زیادی به تکیه قزاق‌ها رفته و سینه می‌زدند. در این میان سردار سپه و افسران قشون، مانند صاحب مجلس از عزاداران پذیرایی می‌کردند.

میزان استقبال به‌گونه‌ای بود که تمام طبقات مردم به این روضه‌خوانی می‌رفتند، تا جایی که حتی احمدشاه قاجار نیز در مراسم عزاداری این تکیه شرکت کرد. افزون بر این، رضاخان شب‌ها نیز به مجالس روضه‌خوانی اصناف می‌رفت و در مراسم آنان شرکت می‌جست. در این مجالس برخی از وعظ و روضه‌خوان‌ها روی منبر از وی تعریف و او را دعا می‌کردند. در روز عاشورا نیز سردار سپه، دسته قزاق را با یک هیئت از صاحب‌منصبان در جلو و افراد و بیرق‌ها و کتل با نظم و تشکیلات خاصی از قزاقخانه حرکت داده و از میدان توپخانه و خیابان ناصریه به بازار آورد. در حالی که سردار سپه با یقه باز و روی سرش کلاه و بیشتر دسته بر سرشان گل مالیده بودند، با پای برهنه وارد

دوران سلطنت رضاخان را از جنبه رویکرد به عزای حسینی می‌توان به دو بخش قسمت کرد. به عبارت دیگر او قبل و بعد از سلطنت دو سیاست متفاوت در قبال برگزاری مراسم عزاداری ماه محرم در پیش گرفت. وی قبل از رسیدن به قدرت، سعی کرد با عوام‌فریبی از جو و فضای خاص این ماه، برای گسترش نفوذ خود و فریب مردم استفاده کند. راه‌اندازی دسته، هیئت و رفت و آمد به منزل علما و روحانیان، از جمله ترقندهای وی در این دوره بود، بنابراین سردار سپه پس از کسب موفقیت‌هایی در عرصه سیاسی و نظامی، برای جلب حمایت مردم درصدد استفاده از مراسم عزاداری ماه محرم برآمد.

در تکیه قزاق‌ها

در محرم سال ۱۳۴۱ق همزمان با پاییز ۱۳۰۰ش، به دستور رضاخان در دهه اول محرم، در قزاقخانه چادر بزرگی برپا شد و روضه‌خوانی مفصل و با شکوهی را به راه انداختند. دسته محلات هم برای رفتن به تکیه

بود، جلوی دسته می‌دویدیم. معروف بود که می‌گفتند: در این دسته سر سوزنی ضعف، سستی و بی‌نظمی وجود ندارد. خود رضاخان مانند فرقه به همه جای ستون سر می‌زد و در حالی که در عزای امام حسین(ع) گل به پیشانی مالیده بود، قزاق‌ها را مرتب می‌کرد. من و میر سیدحسین بهمانی از قسمت اندرونی منزل وارد بیرونی شدیم و کنار آقا سیدکمال‌الدین ایستادیم. دسته قزاق‌ها با شمع‌هایی که افرادشان به نشانه عزاداری امام حسین(ع) در شام غریبان به دست داشتند، وارد شدند و دقایقی بعد نشستند. رضاخان مقابل آقا سید کمال روی زمین نشست و گفت: «این قزاق‌ها همه، یاران شما و امام زمان هستند و آمده‌اند تا سر بسپارند و از دعای خیر شما بهره‌مند شوند. دعا کنید خدا توفیق دهد تا اینها به اسلام و مملکت خدمت کنند. ما که وارد بیت علما می‌شویم، هدفمان این است که وابستگی خودمان را به مردم و علما اثبات کنیم!»

در آن زمان تفسیرهای متعددی از این حرکت سردار سپه مطرح بود. عده‌ای معتقد بودند این کار برای حفظ انتظامات شهر و جلوگیری از هرگونه رخدادی است و آن را اقدامی انتظامی می‌دانستند، ولی عامه مردم این کار را پسندیده و برای سردار سپه - که خود را همراه و هم‌رنگ مردم کرده بود- دعا می‌کردند. اینگونه اقدامات رضاخان باعث محبوبیت زیاد وی در میان مردم و روحانیون شد. به علاوه نمایندگان مجلس را نیز وادار ساخت که از ۱۱ تا ۱۳ محرم، به مباشرت ارباب کیخسروشاه‌رخ- نماینده زرتشتیان مجلس- مجلس عزاداری برپا کنند و همانند سردار سپه، طاقه شال به علم‌های دسته‌های محله‌ها ببندند و به روضه‌خوان‌ها پاکت‌های پول تقدیم کنند.

آغاز ممنوعیت عزاداری حسینی به امر رضاخان

رضاخان که پیش از سلطنت به اصطلاح صاحب دسته و هیئت بود و در مراسم سوگواری ماه محرم شرکت می‌جست، پس از رسیدن به پادشاهی تغییر رویه داد و به تدریج مراسم عزاداری ماه محرم را ممنوع کرد. او نخست محل روضه قزاقخانه را به تکیه دولت انتقال داد و از شکوه و جلال و مدت زمان مراسم آن کاست. در نهم محرم سال ۱۳۱۰ در حالی که بسیاری از مراسم مانند قمه‌زدن، زنجیرزدن، سنگ‌زدن و دسته راه انداختن ممنوع بود؛ وی در تکیه دولت حضور یافت و روضه ساده‌ای خوانده شد. در ادامه محدودساختن روضه‌خوانی ماه محرم، در سال بعد ظاهراً رضا شاه در مراسم سوگواری محرم شرکت نکرد و تنها در بلدیة روضه مختصری خوانده شد. حتی برای اینکه عشق و علاقه سربازان را به امام حسین(ع) کم کنند، رژه‌های مخصوص و دسته‌های مفصل موزیک و هیاهوی بسیار به راه انداختند تا توجه آنها را به شاه معطوف نمایند. این محدودیت‌ها، به اصطلاح در راستای پیاده کردن سیاست شیوه‌های نوین زندگی بود که سعی

داشت مردم بیشتر به تفریح، سرگرمی و خوشگذرانی بپردازند. از این رو در تبلیغات گوناگون، اینگونه مطرح شد که فرهنگ گریه باید به فراموشی سپرده شود. مخالفان سنت‌های عزاداری به بهانه اینکه فلسفه عزاداری‌ها و به‌ویژه قیام امام حسین(ع) برای مردم روشن نیست یا اعظان در منابع برخی اخبار و روایات ناصحیح را نشر می‌دهند، به انتقاد از سنت عزاداری‌ها برخاستند و به جای تلاش بر زدودن حشو و زوائد، با برپایی مراسم عزاداری به طور کلی مخالفت کردند.

شرط گذاری شهرداری برای هیئات عزاداری

در راستای سیاست تقلیل عزاداری حسینی، شهرداری برای برقراری مجالس عزاداری موانع و مشکلاتی به‌وجود آورد و از هیئت‌داران خواست برای برگزاری مراسم ماه محرم اجازه بگیرند. بعدها هم حرکت دسته‌های عزادار در ایام عاشورا ممنوع شد. حتی اگر احیاناً در بعضی خانه‌ها مخفیانه و به صورت پنهانی مراسم عزاداری برپا می‌شد، صاحبان خانه تحت تعقیب قرار می‌گرفتند و راهی زندان می‌شدند! مخالفت با مراسم عزاداری سیدالشهدا(ع) تا آنجا رسید که به جای عزاداری، کاروان شادی (کارناوال) در ایام عاشورا به راه انداختند و صنوف مجبور شدند در برپایی این کاروان‌ها شرکت کنند و هر صنفی دسته خود را شرکت دهد. تا جایی که در اواخر حکومت رضاشاه حرکت کارناوال‌ها مصادف بود با شب عاشورا و دسته‌های رقصه‌ها با ساز و آواز به پایکوبی و رقص در شهر به گردش در آمدند! در حالی که اگر احیاناً افرادی از ذاکرین با عبا و عمامه دیده می‌شد تحت تعقیب قرار می‌گرفت. آیت‌الله سیدحسین بدلا درباره وضعیت عزاداری در تهران، در دوره اختناق رضاخانی چنین می‌گوید: «من گهگاه در ایام تعطیلی دروس به تهران سفر می‌کردم. یک بار که به تهران رفتم، در کمال تعجب مشاهده کردم هیچ خبری نیست، نه دسته‌ای مشاهده می‌شود و نه روضه‌ای برقرار است. از این وضع به شدت نگران شدم. به نظر رسید که به محل اجتماع دسته ترک‌ها - که در مسجد عبدالحسین خان برنامه عزاداری داشتند- بروم. به هر حال به خودم گفتم که بد نیست به آنجا بروم تا ببینم آذربایجانی‌های غیور ما با وجود منع دولت از برگزاری مراسم عزاداری، چه تدبیری در این خصوص اندیشیده‌اند؟ نزدیک غروب بود که در محل حاضر شدم و مشاهده کردم که در آنجا هم خبری نیست و حتی سر در مسجد خالی از پرچم سیاه است. چند افسر را دیدم که در آن حوالی با جذب و خشونت ظاهری در حال گشت‌زنی هستند، در عین حال در مسجد باز بود. داخل مسجد رفتم تا لااقل اگر نماز جماعت برقرار است شرکت کنم. وقتی به آنجا رفتم، دیدم چند نفر نشست‌اند ولی خبری از برگزاری نماز جماعت نیست. احتمال دادم که امام جماعت را هم از برگزاری نماز جماعت در شب عاشورا

و تاسوعا منع کرده‌اند. به ناچار همان‌جا نشستیم. وقتی هنگام غروب فرا رسید، برخاستم و اذان و اقامه گفتم و مشغول نماز مغرب شدم. جمعیت تک‌تک وارد مسجد می‌شدند. شاید از ورود برخی از آنها هم به مسجد جلوگیری می‌شد. مردم هم به خواندن نماز مغرب و عشا به صورت انفرادی مشغول شدند. بعد از اتمام نماز، ناگهان صدای گریه یک نفر بلند شد. حالت گریه‌اش شبیه صدایی بود که آذربایجانی‌ها معمولاً انتهای برخی از اشعار ترکی را با آن ختم می‌کنند. با صدای گریه او بقیه مردم هم شروع کردند به گریه، افسرهایی که دم مسجد ایستاده بودند با حالت دستپاچه وارد مسجد شدند. صدای برخورد چکمه‌های مهمیزدارشان به پله‌ها بلند شد و در پی آن افسران را دیدم که با نگرانی به مردم که بدون روضه خواندن می‌گریستند، نگاه می‌کردند. من مشاهده کردم که دیگر کسی وارد شبستان نمی‌شود. دانستم که دم در از ورود مردم جلوگیری می‌کنند. طولی نکشید که یک فرد تنومند که عرقچین بر سر نهاده و عبایی بر دوش انداخته بود، وارد شد و بین شبستان و ایوان مسجد نشست و او هم شروع به گریه کردن کرد. صدای گریه او حالت خاصی داشت و بر بقیه اصوات غلبه کرده بود... چند لحظه بعد همان فرد شروع کرد به خواندن یک شعر ترکی و حضار هم همراه با آخرین کلمه‌ای که ادا می‌کرد دم می‌گرفتند و صوت توأم با گریه‌اش را امتداد می‌دادند. بعد فرد مزبور یک شعر فارسی و در ادامه یک حدیث کوتاه عربی از مقتل خواند و در نهایت دعا کرد و بقیه آمین گفتند و بعد هم افراد حاضر در مسجد را که بنا داشتند مراسم را تا صبح ادامه دهند، با نام امام زمان(ع) از جا بلند کردند. چند نفر هم به بقیه مشرف فرمودید و «اجرتان با سیدالشهدا» گفتند و آنها را با حالتی شبیه هل دادن به بیرون مسجد هدایت کردند. من تا آخر مقاومت کردم ولی کار به جایی رسید که دیگر ماندن را صلاح ندانستم و احساس کردم آن چند نفری که بعداً فهمیدم از قوای دولتی هستند، می‌آیند و مرا از مسجد بیرون می‌کنند، لذا خودم خارج شدم. آنطور که بعدها برای ما تعریف کردند، این توطئه از پیش تعیین شده، توسط چند نفر از افسران که لباس شخصی به تن کرده بودند، انجام شد و حتی آن فرد مداح و تنومند هم خود از مأموران بود و هدفشان این بود که این محفل عزاداری را در آن مرکز مهم، تحت کنترل درآورند و از ورود افراد جدید هم جلوگیری کنند تا برنامه عزاداری حضرت سیدالشهدا با آن کیفیتی که باید برگزار شود، انجام نگیرد!»

به نظر می‌رسد یکی از اهداف اصلی رژیم از ممنوع کردن مجالس عزاداری ماه محرم ترس آن از قدرت نفوذ روحانیان بود، چراکه دولت می‌دانست برنامه و سیاست‌های ضددینی‌اش با مخالفت آنان مواجه خواهد شد. مجالس عزاداری ماه محرم می‌توانست به پایگاهی ضد این سیاست‌ها تبدیل شود. به عنوان مثال هنگام اجرای قانون کشف حجاب، افراد روضه‌خوان



بزرگ زنجیرداران مرکزی تهران، هیئت بنی الزهرا، هیئت بنی فاطمه همدان، هیئت روحانی تهران، هیئت روحانیون و متدینین آذربایجان، هیئت مصلحین حوزه علمیه قم، هیئت مختلط ملیون اصفهان و هیئت علمیه کرمانشاه.

مبارزه با بی‌حجابی، حسن اجرای برنامه‌های دینی رادیو، شکایت از عملکرد مسئولان، ساخت مسجد، قطع موسیقی رادیو در ایام سوگواری امامان، ساخت ضریح، دینی‌سازی فضای مدرسه‌ها، دفاع از حرمین شریفین، لزوم کمک به روحانیون، تدریس قرآن در مدارس و جلوگیری از نمایش فیلم‌های خلاف عفت عمومی، ممنوع شدن مشروبات الکلی، ممنوع شدن خانه‌های فساد، درخواست منع ورود زنان بی‌حجاب به مساجد و اماکن مقدسه، درخواست لغو خرید و فروش مشروبات الکلی، جلوگیری از نمایش‌های منافی عفت در تماشاخانه و سینماها، سرعت در اجرای قانون منع مسکرات، جلوگیری از مناهج شرعی در مدارس و ترویج اندیشه‌های دینی، انتقاد از مطالب خلاف شرع روزنامه‌ها، اصلاح برنامه‌های آموزشی مدارس، اعتراض به قانون افزایش سن ازدواج، برگزاری جشن‌ها و هشدار به اعمال دولت‌ها درباره لغای قوانین ضددینی، از جمله خواسته‌های این هیئت‌ها بود. این مراسم عظیم پس از فرار دیکتاتور از کشور، مجدداً گستره و عظمت پیشین خویش را به دست آورد و در تحولات بعدی کشور از جمله نهضت ملی ایران، تأثیری نمایان داشت که بحث درباره آن مجال دیگری می‌طلبید. ■

موقعیت خود تلاش کردند مجالس روضه را زنده نگه دارند. در این میان تلاش‌های حضرت آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (مؤسس حوزه علمیه قم) بس چشمگیر بود. وی علاوه بر روضه - که هر شب جمعه و در دهه محرم به آن اهتمام داشت - هر روز قبل از شروع درس، به طور مختصر ذکر توسلی به امام حسین (ع) (توسط یکی از شاگردانش (حاج آقا جواد قمی یا شیخ ابراهیم صاحب‌الزمانی) انجام می‌داد.

پایان ممنوعیت عزاداری حسینی با تبعید رضاخان

با این همه ممنوع بودن برگزاری مراسم عزاداری امام حسین (ع) با اشغال ایران به دست متفقین و تبعید رضاخان به پایان رسید. با پخش خبر تبعید رضاشاه از کشور، بسیاری از مردم به صورت خودجوش به تکیه‌های عزاداری و مسجدها روی آوردند و با اینکه ماه محرم و صفر نبود، فریاد «یا حسین» سردادند. اینگونه حرکت مردم و اظهار شادی با فریاد «یا حسین» در واقع واکنشی بود به سال‌های ممنوع بودن عزاداری امام حسین (ع). (جدا از تلاش مردم برای احیای مراسم عزاداری، نیروهای مذهبی در قالب هیئت‌های مذهبی به سازماندهی دوباره خود پرداختند. آنها در فعالیت‌ها و مبارزات سیاسی - فرهنگی خود خواستار اجرای احکام اسلامی شدند. اسامی برخی از این هیئت‌ها در تهران و شهرستان‌ها به شرح زیر است: هیئت آل‌یاسین، هیئت اتحاد دینی، هیئت اسلامی رفسنجان، هیئت اسلامی یزد، هیئت برادران خیابان هدایت، هیئت

ملتزم شدند علیه مسائل کشف حجاب صحبت نکنند و به آنها هشدار داده شد اگر حرکتی علیه وضع فعلی انجام دادند، مورد تعقیب قرار خواهند گرفت. حاکمان ولایات و شهرها نیز مجبور بودند این سیاست را اجرا کنند و اگر حاکمی در انجام وظیفه خود سستی می‌کرد، از خدمت خود عزل می‌گردید. در یکی از گزارش‌های شهربانی وقت آمده است: «گزارش واصله از دماوند حاکی است حاج علی واعظ که از چند روز قبل در دماوند مشغول روضه‌خوانی بوده و در گیلارد سر منبر اظهاراتی نموده است، حسب‌الامر نایب‌الحکومه دماوند منفصل به امنیه دستور داده شد مشارالیه را تحت‌الحفظ جلب و تحویل وزارت داخله نمایند. باید مشارالیه محاکمه شود که چرا در اجرای اوامر راجع به نهضت بانوان و تغییر لباس و همین روضه‌خوانی‌ها که ممنوع است، طبق وظیفه عمل نکرده است...»

در راستای اجرای این دستور، نایب‌الحکومه دماوند به وسیله هنگ امنیه مرکز تحت‌الحفظ به تهران اعزام شد و فرمانده امنیه مرکز، گزارشی از تحقیقات خود را درباره این پیگیری‌های صورت گرفته تهیه کرد و به تهران فرستاد. بدین ترتیب عزاداری ماه محرم ممنوع شد، اما مردم که عشق به امام حسین (ع) در عمق جان‌شان ریشه داشت، به طرق مختلف کوشیدند این مراسم را زنده نگه دارند. در این راستا بسیاری از مردم مشتاق اما بیمناک از چکمه و قداره، ناچار بودند مراسم عزاداری را به صورت مخفیانه برگزار کنند. آنها در بسیاری از مواقع وقت سحر و زمان بین طلوعین را برای عزاداری انتخاب کردند. البته بودند افراد بانفوذی که با استفاده از

ماجرای شفا گرفتن مرحوم حاج احمد شکوهی

نقاره زن حرم رضوی



مشهدی‌ها حاج احمد اقوام شکوهی را به عنوان نقاره‌زن پیر امام مهربانی‌ها می‌شناختند؛ میراث‌دار خانواده‌ای که نسل در نسل نقاره‌خانه حضرت را اداره می‌کرده‌اند. او از جوانی که پای کار امامش آمده بود تا همین امروز و هر روزش را با بالا رفتن ۱۰۴ پله آغاز کرد. مردی که ۷۰ سال بدون یک روز غیبت در نقاره‌خانه حرم رضوی خدمت کرده بود، ظهر امروز به دیدار مولایش شتافت. به بهانه درگذشت این خادم با سابقه آستان امام رضا(ع) متن آخرین گفت و گویی را که با وی انجام شده را بخوانید:

ندارد. می‌خواهم بگویم این‌ها همه از لطف حضرت است، وگرنه من نمی‌توانستم در طول این سال‌ها بدون وقفه این کار را انجام دهم.

✦ **خب بالاخره بالا آمدن این همه پله برای شما حتما سخت است. اگر یک روز کمتر بگویید بالا رفتن از این پله‌ها برای شما ضرر دارد، اولین سخنی که به امام رضا(ع) می‌گویید، چیست؟**

اول اینکه در این سال‌ها هنوز پله‌ها را نشمرده‌ام. یعنی اصلا در این عوالم نیستیم. بعد هم با اینکه بالا رفتن از پله‌های معمولی برای من سخت است، ولی پله‌های نقاره‌خانه را که بلندتر از پله‌های ساختمان‌هاست بالا می‌روم و هیچ سختی احساس نمی‌کنم. حتی بعضی وقت‌ها که فیلم‌برداری یا عکاسی به بالای نقاره‌خانه می‌آیند برایشان سخت است، ولی برای من تا به حال سخت نبوده است. به نظرم اگر دکتر بگوید این کار را نکن، خود حضرت مشکل من را حل می‌کنند. یک بار یکی از خبرنگارها از من پرسید اگر نتوانم از پله‌ها بالا بروم چه کار می‌کنم؟ گفتم که بپرم مرا روی پشتش می‌گذارند و بالا می‌برد. (می‌خندد) (روزی که اینجا نیایم روز مرگ من است.

✦ **یعنی واقعا مرخصی گرفتن برای شما این قدر سخت است؟**

بله. اصلا دلم رضایت نمی‌دهد. از همان زمان جوانی هم عشق من این بوده که یک ساعت، یک ساعت و نیم قبل از اذان رو به گنبد حضرت بشینم و گنبد را تماشا کنم. حتی یک‌بار هم «سبزه‌بدر» نرفته‌ام. همیشه آن بالا بوده‌ام. همه چیز من در خانه امام رضا(ع) است. حتی روزهای عزا که نقاره‌خانه تعطیل است، انگار گمشده‌ای دارم.

یادم هست چند سال پیش یک روز در حال رفتن به حرم بودم که همسرم حالش بد شد. بردمش درمانگاه امام هادی. وقتی رسیدیم، دکتر گفت فوری نوار قلب بگیر و خانمت را ببر یک بیمارستان مجهزتر. کم‌کم داشت دیر می‌شد و نزدیک بود برای اولین بار به حرم نرسم، ولی تا رسیدیم بیمارستان دوم دکتر تا من را با لباس خادمی دید، پرسید: «چه کاره‌اید؟» گفتم: «نقاره‌زن حرمم. الان هم داشتم می‌رفتم حرم.» گفت: «پس اینجا چه کار می‌کنی؟ برو نقاره‌ات را بزن و برای ما هم دعا کن.» ■

✦ **الان شما حتی یک روز هم مرخصی نگرفته‌اید...**

بله. نشده که حتی یک روز را نیایم.

✦ **بالاخره حتما یک بیماری یا گرفتاری در طول ۶۸ سال برایتان پیش آمده...**

حتی نشده که برای بیماری، نقاره‌زنی را تعطیل کنم. وقتی که جوان بودم، یک روز تب شدیدی داشتم ولی نقاره را تعطیل نکردم. هر وقت هر بیماری که داشتم خود حضرت رضا(ع) شفا دادند. چهار پنج سال پیش دو تا کلیه‌ام به مشکل خورد. یک بار دیگر دل درد شدیدی گرفتم که گفتند با زخم‌معه است یا زخم انٹی‌عشر. از خود حضرت خواستم که شفا عنایت کنند. تا الان هم دوباره محتاج دکتر نشده‌ام.

یادم هست حدود ۳۰ سال قبل برای معاینه چشم پیش چشم‌پزشک رفتم. با یک چشمم خوب نمی‌دیدم. دکتر چند تا عینک گذاشت، باز هم خوب ندیدم. آخر سر گفتند چشمم آب آورده و باید خیلی زود عمل شود. من هم به خاطر نقاره‌خانه نمی‌توانستم بستری شوم. برای همین یک روز، قبل از رفتن به نقاره‌خانه اول رفتم طرف گنبد. چشمم را روی گنبد گذاشتم و نجوایی با حضرت کردم. الان حدود ۳۰ سال از این ماجرا می‌گذرد و چشم‌های من هیچ تفاوتی با هم

✦ **چند سال است نقاره زن حرم هستید؟**

من از سن ۱۹ سالگی آمده‌ام و الان حدود ۷۰ سال است که صبح و عصر نقاره می‌زنم. جمعه و شنبه هم ندارم. تمام روزهای تعطیل و غیرتعطیل برای این کار به حرم امام هشتم(ع) آمده‌ام.

✦ **از چه سالی نقاره زن حرم هستید؟**

از حدود سال ۱۳۳۴.

✦ **نقاره زنی را چطور یاد گرفتید؟**

همراه یکی از عموهایم برای نقاره زنی می‌آمدم و من کنار دست ایشان یاد گرفتم.

✦ **تعداد زیادی از خاندان شما نقاره زن بوده‌اند. درست است؟**

پدر بزرگم، عموهایم و سه برادرم نقاره زن حرم بودند.

✦ **در حال حاضر چطور؟ کسی از خانواده‌تان نقاره‌زنی می‌کند؟**

الان دو پسر و دو نوه برادرم نقاره زن حرم امام رضا(ع) هستند.

✦ **گفته می‌شود از ۶ دهه پیش تا**

دعبل